



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

فصل ، متن قوانین - تصویب نامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی

شماره تلفن : ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

سال سوم - شماره ۸۴۰

صفحه ۲۳۹۹

۴ شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۲۶

مدیر: سید محمد باشمی

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۵۳۰

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - صورت مشروح مذاکرات سی و پنجمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۸
- ۲ - بخشنامه ها ۱۸
- ۳ - آگهی های رسمی ۱۹

مذاکرات مجلس

جلسه ۳۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه سیزدهم دی ماه ۱۳۲۶

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بقیه مذاکره در برنامه دولت
- ۳ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت شش بعد از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱ - تصویب صورت مجلس

صورت مجلس جلسات قبل توسط آقای صدرزاده (منشی) قرائت گردید

ساعت شش بعد از ظهر روز شنبه اول دیماه مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل و صورت جلسه پیش قرائت شد .
آقای دکتر معظمی منتقد بودند که هنگام اخذ رأی علنی نام رأی دهندگان باید در همان مجلس قرائت شود و یا در صورت مجلس ذکر کنند که اگر اشتباهی شده باشد اصلاح شود و صورت مجلس تصویب شد .
اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :
غائبین با اجازه - آقایان : عبدالعزیز اورنگ حسین وکیل - شهاب خسروانی - عباس نراقی
غائبین بی اجازه - آقایان : اردشیر شادلو - حسن اکبر - جواد هامری - کامل ماگونی - مهندس خسرو هدایت - محمد تقی بهار - دکتر رضا زاده

شفق - عبدالعزیز نیکپور - منوچهر گلابادی - اسدی - ساعد .
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : صادقی دهقان - سلطانی - بوداغیان - دکتر طباطبائی - دکتر راجی - آقاخان بختیار .
آقای آشتیانی زاده راجع به بستن احزاب و تحصن مدیر روزنامه آتش در مجلس قبل از دستور اجازه صحبت می خواستند بورود در دستور اخذ رأی و تصویب شد و آقایان ذیل مراسم تحلیف را بجا آوردند .
آقای گلابادی - گرکانی - فرامرزی - سزاوار دکتر عبده - دکتر آشتیانی - عباس سمعدی - شریعت زاده مشاور - عباس اسلامی - علی اکبر ملکی - دکتر مصباح زاده - ناصری - علی وکیل - عبدالقدیر آزاد - بوداغیان - اسامی اهری - خوشبهر

حسن محکرم - محمد حسین نواب - محمد عباسی فتحعلی افشار - فاضلی - هراتی .

آقای رضوی راجع باصل یازده قانون اساسی و ادای سوگند و کسانی که تاکنون در مراسم تحلیف شرکت نکرده اند تذکره دادند و سپس آقای امامی اهری خبر شعبه اول مربوط با انتخابات فسا و اعتبارنامه آقایان صاحب دیوانی و عربشیلانی را قرائت نمودند و بنمایندگی ایشان اخذ رأی و تصویب شد و بعد گزارش کمیسیون عرایض مربوط بمرخصی آقای بهادری قرائت گردید و چون عده برای اخذ رأی سکافی نبود مجلس بعنوان تنفس تعطیل وساعت شش بعد از ظهر روز پنجشنبه سوم دیماه مجلس به ریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید .

اسامی غائبین روز پنجشنبه سوم دیماه ۲۶ غائبین با اجازه - آقایان : محمد حسین قشقایی - کامل ماگونی - انصاری - مهندس هدایت - ملکپور - حسین وکیل - محمد تقی بهار - شهاب خسروانی - یحیی اسفندیاری .

غائبین بی اجازه - آقایان : اردشیر شادلو - حسن اکبر - آقاخان بختیار - دکتر رضا زاده شفق محمد ساعد - محمد تقی خوشبهر - اسدی .

دیر آمدگان با اجازه - آقایان : مهندس رضوی - فولادوند - محمد ذوالفقاری - دکتر عبده حسن محکرم .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : عزیز زنگنه - منعمه دماوندی - دکتر راجی - تولیت - سلطانی .

● این مذاکرات مشروح سی و پنجمین جلسه از دوره پانزدهم قانونگذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

دکتر طباطبائی - موسوی - محمد علی مسعودی - ناصری شریعت زاده - مسعود تائبی - احمد دهقان - دکتر مصباح زاده - دکتر مجتهدی - نیکپور - علی و کیلی گلپاد - شریف زاده - بوداغبان .

گزارش کمیسیون عرایض راجع به مرخصی آقایان بهادری - بهار - صدر زاده - اسلامی - گنابادی - پالیزی - ناصری - ساهد - کامل ماگویی قرائت و تصویب شد .

آقای دکتر بقائی در مخالفت نسبت با اعتبارنامه آقای اهراز نیک بی آغاز سخن نموده گفته برای ادای وظیفه ملی و اخلاقی بنام حفظ مصالح ملت از نمایندگان معترض در خواست میکنم احساسات و افکار عمومی را نسبت بمجلس شورای ملی در نظر بگیرند زیرا در غیر این صورت نباید امید پشتیبانی از آنرا داشته باشیم و سپس راجع بجرایان انتخاب آقای اهراز نیک بی با ابراز اسناد و مدارکی که بعضی نیز قرائت شد بتفصیل اقامه دلیل نمودند و نسبت به صلاحیت ایشان گفتند که در جریان انتخابات از مقام وزارت پست و تلگراف مستعفی شدند ولی در مقام معاونت نخست وزیری باقی بودند و بعد بسمت منشی مخصوص نخست وزیر انتخاب شدند ، در این موقع بایشان ختم جلسه و اینکه عده برای ادامه مذاکره کافی نبود ساعت هشت بعد از ظهر تنفس داده شد و جلسه آینده بروز یکشنبه موکول گردید .

طبقه زحمتکش - حذف اعتبارات غیر ضروری تهیه وسایل آبادی کشور و سلامت و فرهنگ مردم - اجرای قوانین و ایجاد اعتماد و مبارزه با فساد - تسریع قطع و فصل دهاری - جلوگیری از سوء استفاده از قانون انحصار تجارت - اصلاح تدریجی وزارتخانه و اجرای تعلیمات اجباری - تقویت قوای تأمینیه بتناسب احتیاجات کشور - تقدیم لویای برای شرکت مردم هر محل در امور مجلس و سیاست خارجی دولت را اظهار نمودند تشبیه و تحکیم روابط حسنه و رعایت احترام متقابل با دول دوست مخصوصاً ملل همسایه و هلاقمندی بازرمان ملل متحد خواهد بود .

آقای دکتر بقائی در دنباله مذاکرات جلسه پیش شرح مسوولی از سوء جریان انتخابات اصفهان و نمایندگی آقای اهراز نیک بی و عدم صلاحیت وی بیان داشتند گفتند با اصرار خلاف قانون و بیاداری معاون نخست وزیر بوکالت مجلس انتخاب و ثابت شده کدر مقابل اغراض و مطامع افراد مصالح ملت رعایت نمیشود در حالیکه مردم در حال حاضر و تاریخ در زمان آینده داوری خواهند کرد و حقایق چنانکه هست بکرامت گذشت زمان در معرض افکار آیندگان خواهد بود

آقای اردلان در پاسخ بیانات آقای دکتر بقائی جریان انتخابات اصفهان و نمایندگی آقای اهراز نیک بی و صلاحیت ایشان را صحیح و مسلم شمردند و گفتند در دومازک صلاحیت دار که یکی انجمن مرکزی انتخابات و دیگری شعبه مجلس شورای ملی است پرونده مربوطه رسیدگی وصحت جریان تصدیق شده است چندانکه از دانشجویان اصفهان نیز در تأیید اظهارات خود قرائت نمودند .

آقای برزین بوجوب ماده ۱۰۹ در قبیل خطاب آقای دکتر بقائی اعتراض نموده بان توضیحی از سوابق خدمات خود گفتند تحت تأثیر هیچ امر خلاف قانون و وجدان نخواهند رفت .

آقای نراقی مخبر شعبه یک نیز طی توضیحاتی طبق پرونده های مطالعه شده در شعبه اعتراضات آقای دکتر بقائی را ارد نداشتند .

آقای مکی با توضیحاتی راجع به بیانات آقای اردلان تلگرافهایی را با امضاء اهراز نیک بی از طرف نخست وزیر هنگام جریان انتخابات قرائت نموده گفتند مجلس باید افکار عمومی را رعایت نماید بالاخص بر رعایت احوال چهل هزار نفر کارگر دستفاب اصفهانی باعتبار نامه آقای نیک بی رای ندهند .

آقای اهراز نیک بی شرح مسوولی در رد اعتراضات آقایان دکتر بقائی و مکی و تلگرافات و استشهادات معترضین محلی و شطری از سوابق خدمات خود در عمران و اصلاحات شهری و اقتصادی اصفهان همچنین در استان داری غرب داشته گفتند باین مجلس شورای ملی باید از فعالیتهای خدمتگزاران کشور قدرشناسی کند در اینصورت پیش نهاد برای مخفی طبق ماده ۹۲ تقدیم شده بود به نمایندگی آقای نیک بی اخذ رای بعمل آمد از یکصد و نود نفر عده حاضر ۱۰۹ مهره تقی شیه با اکثریت ۶۲ رای تصویب گردید .

آقای فرامرزی بان توضیحاتی از وضع دستگاه قضائی و محکومیت اشخاص بغير حق نسبت بصلاحیت

قانون بعد از پنج یاده سال بخودی خود اعاده حیثیت میشود و راجع باین پیشنهاد هم مخالفتی ندارند - آقای حائری زاده پیشنهاد کفایت مذاکرات و توضیحی دادند و باعتبار نامه آقای حاج امین اخذ رای و تصویب شد .

آقای دکتر بقائی راجع بنمایندگی آقای صفا امامی از اصفهان بعنوان مخالف وارد صحبت شدند و راجع باخذ رای مخفی نسبت باعتبار نامه آقای نیک بی توضیحاتی داده از ۴۵ نفری که مهره سیاه داده بودند اظهار تشکر نمودند و نسبت باعتبار نامه آقای صفا امامی با اعتراضات مدلل خود نسبت بجرایان انتخابات اصفهان اشاره نموده با قرائت نامه آقای حسام الدین دولت آبادی راجع بسوء جریان انتخابات اصفهان گفتند اگر آراء صندوق قهپایه بناحق ابطال نمیشد آقای دولت آبادی بجای آقای صفا امامی وکیل شده بودند و تصریح نمودند که نسبت باعتبار نامه آقای صفا امامی تقاضای رای مخفی یاری باورقه نموده قضاوت امر را بنظر آقایان نمایندگان میگذارند . آقای نراقی مخبر شعبه گفتند طبق پرونده های مربوطه آقای صفا امامی وکیل اصفهان هستند و تا این قانون هست همینطور است و خبر شعبه هم صحیح بوده است .

آقای فولادوند طبق ماده ۱۰۹ راجع به بیانات آقای دکتر بقائی توضیحاتی دادند و آقای حاذقی بعنوان موافقت گفتند انتخابات اصفهان بانندک تفاوتی سروته کریاس انتخابات جاهای دیگر است و تذکر دادند که آقای نیک بی بان انتخاب آقای دکتر بقائی بوسیله حزب کمک کردند و آقای رئیس بیانات آقای حاذقی را درین قسمت تکذیب نمودند و باعتبار نامه آقای صفا امامی اخذ رای و تصویب شد .

آقای امامی خوئی نسبت بجرایان انتخابات اردبیل و نمایندگی آقای باتمانقلیچ توضیحات مسوولی دادند و گفتند اهالی آذربایجان در بنابر منتظر قضاوت مجلس شورای ملی هستند .

آقای گنجی بعنوان مخالف نسبت باعتبار نامه آقای باتمانقلیچ شرح مفصلی بنام دفاع از حقوق هوطنان اردبیلی ایراد نموده گفتند آقای باتمانقلیچ صلاحیت انتخاب شدن از اردبیل را نداشتند و بر اثر اصرار نفوذ عمال دولت و فرماندهی نظامی محل و تهدید و تطمیع این انتخاب صورت گرفته همچنین تلگرافاتی که از معارف اردبیل حضوری مغایره شده بود قرائت و از مجلس شورای ملی تقاضا نمودند بادر نظر گرفتن اوضاع آذربایجان هنگام دادن رای بقدرت کشور توجه بشود . در اینصورت بوجه مجلس تقدیم ویکمسیون محاسبات ارجاع و ساعت هشت و نیم بعد از ظهر تنفس داده شد و جلسه بروز پنجشنبه موکول گردید . ساعت پنج و چهل دقیقه بعد از ظهر روز پنج شنبه دهم دیماه مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل شد .

اسامی غائبین روز سه شنبه ۱۰ دیماه ۲۶ غائبین با اجازه - آقایان : جعفر کفائی ، عزیز اعظم زنگنه ، معین زاده ، حسین وکیل ، علی بهجانی ، محمد تقی بهار ، شهاب خسروانی ، صاحب دوانی ، غائبین بی اجازه - آقایان : اردشیر شادلو ، حسین اکبر ، کامل ماگویی ، احمد دهقان ، دکتر شفق ، محمد ساعد ، خوشنظر ، اسدی .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : محمد حسین قشقائی ، جواد هامری ، فولادوند ، دکتر راجی ، عبدالله وثوق ، تولیت ، رستم گیو ، آقاخان بختیار ، دکتر طباطبائی ، دکتر عبده ، ناصرالدین ناصری ، دکتر علی امینی ، قهرمان ، بوداغبان ، نیک بی ، دکتر ملکلی آقای باتمانقلیچ در پاسخ آقای گنجی گفتند من و آقای گنجی ای هر دو از خانواده هائی هستیم کدر جنگ روس و ایران شرکت داشته اند و به موجب اسناد تاریخی آذربایجانی هستند و راجع بوجهی که در محل خرج شده اظهار نمودند برای کمک به امور خیریه اردبیل و بعد از انجام انتخابات بوده است و در موضوع تلگرافات شکایت آمیز بیان داشتند که اگر انتخابات بدون مبارزه صورت گیرد شاه دستوری است و این اظهارات و انتشارات از ناحیه کسانی است که در مبارزه انتخاباتی شکست خورده اند و نسبت به مداخله فرماندهی نظامی توضیح دادند و تلگرافی قرائت نمودند که هنگام انتخابات سرتیب باتمانقلیچ از فرماندهی تیب اردبیل کناره گیری کرده بود و در پایان بیانات خود با ارائه چند قطعه کریاس مهر کرده مبنی بر تمایلات اهالی اردبیل و قرائت تلگراف رؤسای ایلات محل گفتند قضاوت امر را بوجدان نمایندگان محول میدارند - جمعی پیشنهاد رای با ورقه و عده دیگر پیشنهاد رای مخفی طبق ماده ۹۲ داده بودند با اخذ رای مخفی از ۱۰۵ نفر عده حاضر صد مهره تقی شیه و ۶۳ مهره سفید و ۳۴ مهره سیاه شماره شد و اعتبار نامه آقای باتمانقلیچ به اکثریت ۶۳ رای تصویب گردید .

در اینصورت آقای رحیمیان بعنوان مخالف در برنامه دولت آغاز سخن نموده نخست علل مخالفت خود را نسبت بکابینه سابق آقای حکیمی توضیح داده سپس از دولت تقاضا نمودند در قسمت حیث و میل های کابینه گذشته که بوسیله بانک صنعتی و وزارت بازرگانی و بیسه و هنر صورت گرفته چون هنوز مورد تحقیق واقع نشده هیئتی معین و رسیدگی و در صورت صحت مرتکبین تحت تعقیب قرار گیرند و بعد نسبت بکارگرانی که زندانی و جمعی از آنها بعنوان عضویت احزاب چپ از کار برکنار شده اند موجبات استعجال و آسایش آنها فراهم گردد و در قسمت سیاست خارجی و تکرانی از بلو کهای سیاسی و لزوم رفع سوء تفاهم و ایجاد روابط صمیمانه بادولت اتحاد جماهیر شوروی و موضوع پیمان نظامی بادولت امریکا و تجدید خدمت مستشاران امریکائی و خرید مهمات از آنکشور اظهار نظر نمودند همچنین راجع بتقویت قوای تأمینیه نسبت احتیاج کشور گفتند که سصد میلیون تومان صرف قوای تأمینیه میشود باید کاری کرد که بیشتر مورد استفاده و احترام مردم قرار گیرد و سپس در قسمت سنکینی هزینه زندگی توضیحاتی داده راجع آبادی و فرهنگ و بهداری و کشاورزی کشور تقاضا نمودند دولت نسبت بشهرستانها نیز توجه کند و در باب اجرای قوانین اظهار عقیده نمودند که باید قدرت در دست قانون باشد نه در دست اشخاص و تقاضا کردند جمعی که بوسیله مأمورین نظامی فوجان دستگیر شده اند بتهران احضار و بیرونده آنها رسیدگی و رفع ظلم شود همچنین با قرائت تلگرافی تقاضا کردند از تحریکاتی که در شیروان میشود نیز جلوگیری بعمل آید و در خانه بیانات خود برای تاسیس دانشگاه خراسان

و تکمیل راه آهن تهران مشهد تذکراتی دادند متعاقب بیانات آقای رحیمیان آقای گرگانی بعنوان موافق در اطراف برنامه دولت بیاناتی کردند و توجه دولت را نسبت بتهیه وسایل آسایش طبقه زحمت کش و ایجاد امنیت قضائی بالاخص در ترکن صحرانجلب نموده گفتند مأمورین زاندارمری و املاک واکذاری اجحاف و تعدی بطبقه صحرائشین روم میدارند و تقاضا کردند مأمورین متعدی احضار شوند ودر خاتمه اظهار عقیده نمودند که ملت از حرف خسته شده لازم است دولت هر چه زودتر با اصلاحات اساسی و تهیه موجبات بهبود اوضاع اقتصادی کشور توجه نماید .

ساعت هشت و ربع بعد از ظهر مجلس خانه یافت و جلسه آینده بروز یکشنبه محول گردید . رئیس - نسبت بصورت جلسات نظری نیست؟ دکتر راجی - بنده عرضی داشتم . رئیس - آقای دکتر راجی بفرمائید . دکتر راجی - چون اسم بنده جزو مخالفین اعتبار نامه آقای باتمانقلیچ بود و مقام ریاست صلاح نداشتند و یا وقت نداشتند که بنده عرایض بکنم ، خواستم عرض کنم که مخالفت خودم را اولاً پس نگرتم (یک نفر از نمایندگان - چه قایده دارد) و یکی از علل مخالفتم این بود که ایشان یک تمهیداتی برای بنگاه نیکو کاری و بیمارستان طهران کرده بودند ، حالا هم که ایشان اعتبار نامه شان قبول شده امیدوارم تمهیداتی را که فرموده اند انجام بدهند

رئیس - آقای باتمانقلیچ . باتمانقلیچ - بنده خیلی از آقای دکتر راجی متشکرم که ایشان وقت دادند به بنده و این شانس را به بنده دادند ، که بنده این موضوع را جواب بدهم ، زمینیه بوده است که پدر من وقف کرده برای یک کاری که خیر عمومی در آن باشد و طوری این وقف نامه نوشته شده است که بالتبینه این زمین بایستی بنام خودش باقی باشد ، بنده مضویت انجمن بیمارستان را داشتم ، یک روزی که پای من شکسته بود آقایان آمدند گفتند ما جا نداریم من گفتم یک زمین دارم که هفتاد هزار تومان میخرند سی هزار تومان هم خودم برای این کار میدهم که بشود صد هزار تومان (یک نفر از نمایندگان - جمعا صد هزار تومان) بلی صد هزار تومان که من سند بگیرم و آن را به بیمارستان واگذار بکنم و این پول را هم در آنجا خرج بکنم ، چهار ماه انتظار این موضوع را کشیدم و کتبا هم نوشتم دیدم از طرف بیمارستان نتوانستند این عمل را انجام بدهند و این عمل غیر قانونی بود ، پس نشد که زمین را واگذار بکنم ، الان تیمسار سیهد یزدان پناه که رئیس هیئت مدیره بنگاه نیکو کاری هستند اینجا تشریف دارند زمین را بصورتشان واگذار کردم و تمهید سی هزار تومان هم که در او ساختمان بشود بنام ابوالقاسم باتمانقلیچ نمودم ، (سیهد یزدان پناه - هنوز که دریافت نشده است) ... قباله و سایر چیز های آن فرستاده شده است خدمتان . سیهد یزدان پناه - هنوز که رئیس - درست است اگر داده آید ؟ باتمانقلیچ - ... حضرت اجل چون من

خودم شخصاً قبایه را دادم خدمتتان مأمور فرمودید آقای دادفر را در محضر شیخ عبدالعزیز نجم آبادی تمام بشود تلفن کردند شیخ عبدالعزیز نجم آبادی نوشته بشود. آنروز بهرمانی حضور حضرت اجل بیام دادم که بنده حاضر برای این عمل کسی دیگر را تعیین نفرمائید که این عمل تمام بشود و باید امضاء بشود (سهید یزدان بناه - موقعی این عمل رسیت پیدا میکند که در محضر تمام بشود). بلی بنده میخواستم این عمل تمام بشود در محضر و زمین را انتقال بدیم (حاذقی - بسیار خوب آقا میروید در محضر و این کار تمام میشود). (بعضی از نمایندگان - مقدمات کار درست شده میروید این کار را انجام می دهید).

باتمانقلیح - آقایان تأمل نفرمائید بنده این را قبول ندارم که تیمار سهید اینطور بفرمائید چرا شلوغ میکنید آقایان اینجا مجلس است من حق دارم حرفم را بزنم من یکسال فحش شنیده ام و حالا باید بتوانم اینجا حرفهایم را بزنم خیال می کنید من بیخود اینجا آمده ام من آمده ام که حرف هایم را اینجا بزنم، مگر میشود که هر کسی را این جا لکه دار کرد، بنده عرض میکنم که فرستادم خدمتتان که بنویسند و شخصاً هم دو مرتبه حضور حضرت اجل شرفیاب شده ام و کالتنامه و وقف نامه را آورده ام، یک سند کتبی امضاء کردم و یک چک سی هزار تومان هم در نزد حضرت اجل الان دارم که برای ساختمان ذکر شده است از بانک ملی گرفته شود و الان حضور حضرت اجل است (سهید یزدان بناه - اینجا هیچکس از شما هنوز وصول نشده؟) حالا که بنده داده ام چه گناهی دارم بنده در حضور آقایان جریان را شرح دادم که مستحضر باشند (کشاورز صدر - آن پیشنهاد را مطرح کنید آقای رئیس). بنده آنها را فرستادم ام تمام شده است تاجر وقتی که یک چیز امضاء کرد یعنی تمام شده است.

رئیس - آقای اقبال و آقای آشتیانی زاده و آقای نبوی تقاضای مذاکره قبل از دستور کرده اند **آشتیانی زاده** - بنده مخالفم با ورود در دستور **کشاورز صدر** - بنده هم مخالفم **محمدعلی مسعودی** - اول تکلیف دولت را تعیین نفرمائید.

رئیس - آقای آشتیانی زاده **آشتیانی زاده** - عرض کنم همانطور که در چند جلسه قبل من تذکر دادم یک وقایعی در شهر در جریان است و یک اجتماعاتی نسبت به ۲۰۰۰۰ کارگر میشود و اینجهت بنده مجبورم در پشت این تریبون جریان را بر عرض آقایان نماینده گان محترم برسانم و الان چند جلسه است، که بنده اجازه خواسته ام این هراس را بکنم و جلسه تنفس داده شده است و من نتوانستم از این فرصت استفاده بکنم و جریان را بر عرض مجلس شورای ملی برسانم استعفا میکنم که اجازه بفرمائید بنده چند کلمه حرف بزنم. **رئیس** - مجلس بایستی اجازه بدهد آقای کشاورز صدر. **کشاورز صدر** - بنده مخالفم، اجازه بفرمائید که چند کلمه عرض بکنم؟

بنده خیلی مایلم که آقای آشتیانی زاده همکاری عزیز ما بیایند و فرصت پیدا بکنند بنام نطق قبل از دستور فرمایشات خودشان را بفرمائند ولی تصدیق میفرمائید که دولت نوشته است و قدم اولی که بایستی برداریم نتیجه است که از این مذاکرات بایستی بگیریم (آشتیانی زاده - دولت که الان هست) اجازه بفرمائید بنده هراسم را بکنم اگر دولتی باشد و کار دولت تمام شود اظهار قبل از دستور چه فایده دارد (صحیح است) میبایستی اول برنامه دولت تصویب بشود و دولت وارد کار بشود بنده بجانباهالی اطمینان میدهم که محتاج بتذکر این جا نباشد، میروید آقای نخست وزیر را ملاقات بفرمائید و مطالب لازم را میگوئید و اطمینان داشته باشید دولت هم شخصاً اگر تجاوز و تعدی شده کاملاً جلوگیری میکند. (آشتیانی زاده - آقا مردم را غارت کرده اند) اجازه بفرمائید، بنده تقاضا میکنم چون برنامه دولت در پیش است جنباهالی هم موافقت بفرمائید، بنده که کار دولت تمام بشود، بعد بجنبای فانی فرصت داده می شود که تمام مطالب را بگوئید ما هم از شما پشتیبانی می کنیم.

رئیس - آقایانی که موافقت با ورود در دستور قیام کنند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. آقای اردلان.

کشاورز صدر - پیشنهاد را مطرح بفرمائید **سزاوار** - پیشنهادی را که بنده تقدیم کردم مطرح بفرمائید

۲ - بقیه مذاکره در برنامه دولت **رئیس** - بعداً مطرح میشود آقای اردلان. **اردلان** - بنده عضو فراکسیون دمکرات مجلس شورای ملی هستم، موقعی که تمایل مجلس را برای انتخاب آقای نخست وزیر خواستند در فراکسیون دمکرات ایران تصمیم اتخاذ شد که تمایل خودشان را بجنب آقای دکتر مصدق اعلام کنند (صحیح است) من هم به پیروی از تصمیم فراکسیون دمکرات ایران که در مجلس تشریف دارند بنام جناب آقای دکتر مصدق اظهار تمایل نمودم و امضاء فراکسیون دمکرات ایران کلاً همین تصمیم را اتخاذ کردیم، همه دیگر از آقایان هم با ما موافق و هم عقیده بودند خواستم این مقدمه را عرض کرده باشم که فراکسیون دمکرات ایران نه در سقوط دولت گذشته و نه بوجود آوردن دولت حاضر اقدامی کرده است و بنا بر این ما تعهدی نسبت بدولت جناب آقای حکیم الملک نداریم (صحیح است) ولی از آنجا که ما همه علاقمند بکارهای مملکت هستیم چنانچه لوائح مفیدی در ضمن عمل دولت جناب آقای حکیم الملک بمجلس پیشنهاد بفرمائید ما هم با او کمک خواهیم کرد و روی خواهیم داد و تصور میکنم خود جناب آقای حکیم الملک هم توجه باین موضوع فرموده اند زیرا در موقعی که برنامه سیاسی و اقتصادی دولت را فراهم میفرمودند و اشخاصی که برگزیدند برای اینکه این برنامه را بوقوع عمل و اجرا بگذارند چون دیدند ما دخالتی در آوردن ایشان نداشتم از ما هم شوری نفرمودند و بنا بر این ما هم تعهدی نسبت بایشان نداریم (یک نفر از نمایندگان - بسیار هیچکس شوری نفرمودند) و اما نسبت ببرنامج دولت جناب آقای حکیم الملک دو قسمت است که

میشود در آن صحبت کرد اول قسمت سیاست خارجی است و بعد قسمت سیاست داخلی، در قسمت سیاست خارجی من گمان میکنم، تمام افراد این مملکت خواهان دوستی صمیمانه شرافتمندانه با تمام دول هستند خاصه دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلستان و دولت امریکا (صحیح است) و البته ما باید در سیاست خارجی خودمان از نیروی معنوی مجمع ملل متفق همیشه استفاده کنیم (صحیح است) در برنامه دولت هم باین موضوع اشاره شده است ماملل کوچک راهی نداریم برای بقای خودمان جز این که تکیه باین سازمان ملل متحد بنمائیم و بنظر من در یک چنین موقعی که ما احتیاج داریم که روابط دوستی خودمان را با دول همجوار روز بروز مستحکم تر بکنیم شایسته این بود که ما از روزاول وزیر خارجه داشته باشیم چون جناب آقای حکیم الملک اما قبلاً صحبت نفرمودند حالا تذکر عرض میکنم که در چنین موقعی وجود یک وزیر خارجه قطعاً ممکن است مؤثر واقع شود (صحیح است) و اما در سیاست داخلی: در برنامه دولت مسائل بسیار مهمی را میشود بحث کرد، البته در ستون موافق و مخالف آقایان نمایندگان اسامی زیادی نوشته اند و همه آقایان اجازه میخواهند که صحبت بکنند و امروز هم ما در فراکسیون صحبت کردیم گفتم از مقام ریاست از هیئت دولت تقاضا کنیم که حوصله بفرمائید که صحبت هایمان را مفصل تر بکنیم و همه آقایان بتوانند نظریات خودشان را اظهار بکنند بنده فقط در یک قسمت مطالعه کردم و خواستم این قسمت را بر عرض آقایان نمایندگان محترم و باستحضار دولت برسانم، این قسمت بنظر من یک قضیه بسیار مهمی است که امروز مورد توجه عموم اهالی مملکت است و آن یائین آوردن هزینه زندگی است باید قیلاً بر عرض آقایان نمایندگان محترم برسانم چه در ایران و چه در سایر ممالک وقتی یک حوادث مهمی در آن مملکت به وجود میآید ایجاب میشود که یک قوانین بقوریت در یک موقعی مجلس شورای ملی وضع کند، دولت قانونی پیشنهاد میکند و مجلس هم وضع میکند ولی همین که آن موافقت مرتفع شد باید دولت وقت و مجلس شورای ملی در آن قوانین تجدید نظر بکنند، موقعی که قشون متفقین آمدند بایران دولت وقت دو قانون بمجلس دوره سیزدهم پیشنهاد کرد و مجلس سیزدهم هم آنرا تصویب کرد و در آن موقع ایجاب میکرد که این قوانین تصویب شود و آن قوانین در بالا بردن هزینه زندگی بسیار مؤثر بود و تأثیر کرده، امروز که جنک تمام شده است و قشون متفقین بعد از آن که از ایران رفته اند ما باید نسبت باین قوانین تجدید نظر بکنیم یا آن ها را لغو بکنیم یا قوانینی جایگزین آنها بکنیم و چون آن قوانین باعث بالا بردن هزینه زندگی شده است باید امروز وضع ما تبدیل یک وضع معتدل و ثابتی بشود (کشاورز صدر - اسم بفرید قوانین را) البته یکی از آن قوانین مربوط به نشر اسکناس بود (صحیح است) و دیگری مربوط به قسمت ارز، بنده در هر دو موضوع مطالبی بر عرض آقایان می رسانم و اشاره به هر دو آن قوانین میکنم، در دوره یازدهم قانون گذاری یک قانون بسیار مفیدی در مجلس شورای

ملی بتصویب رسید که ماده واحده بود، این ماده واحده در ۲۱ اسفند ۱۳۱۸ بتصویب مجلس شورای ملی رسید، در این ماده واحده مجلس شورای ملی ایران نشر اسکناس را روی هم رفته تا ۱۰۰۰ میلیون ریال تجویز کرده و اجازه داده است قشون متفقین که بایران آمدند از دولت ما برای حوائج ضروری خودشان پول خواستند تا این قانون وجود داشت دولت ما بآنها پول میداد یعنی ۱۰۰۰ میلیون ریال پول بآنها داد بعد دیگر نمیتوانست پول بدهد زیرا این قانون مانع بود، آمدند در دوره سیزدهم قوانینی بمجلس پیشنهاد کردند در وحله اول سیصد میلیون ریال دو مرتبه ۵۰۰ میلیون ریال سر انجام قانونی از مجلس گذشت که اختیار نشر اسکناس که تا آن تاریخ با مجلس شورای ملی بود مجلس خود این قانون را واگذار کرد بهیئت نظارت اندوخته اسکناس (صحیح است) این قانون در ۲۸ آبان ۱۳۲۱ بود یعنی اولاً قانونی بود که یک میلیارد و پانصد میلیون ریال بیشتر ما اسکناس نمیتوانستیم نشر بدیم بعداً مجلس شورای ملی بهیئت نظارت اندوخته اسکناس اجازه داد که با موافقت هیئت دولت بتواند بهر اندازه که لازم باشد اسکناس منتشر بکند و روی این نظر هم اسکناس بعد وقور انتشار پیدا کرد و تا میزان هشت میلیارد و کسری رسید و اگر آقایان این قسمت نرخ کالاً ها را با نشر اسکناس با هم مقایسه بکنند می بینند بطور تصاعد با هم بالا رفته هر میزان اسکناس نشر پیدا کرده بهمان میزان هم کالا و زندگی گران شده و بالا رفته است (صحیح است) امروز که قشون متفقین الحمدلله از ایران رفته اند احتیاج هم نیست ببقیده بنده این قانون ۲۸ آبان را باید لغو بکنیم و اختیار نشر اسکناس را بهمان طور که در سابق بوده است مجدداً بدیم بدست مجلس شورای ملی ایران (صحیح است) یعنی در واقع تثبیت بکنیم ریال و پول خودمان را و حالا این قانون ۲۸ آبان ۱۳۲۱ بقوت خودش باقی است (دکتر معظی - بلی باقی است) اجازه بدهید ببقیده بنده دو نظر باید دولت وقت اتخاذ کند، اولاً پیشنهاد کنند و مجلس شورای ملی هم تصویب بکنند این قانونی که وقتی قشون متفقین در ایران بودند و مجبور شدیم پول بآنها بدهیم تصویب شده لقب بکنیم و همانطور که در دوره یازدهم مساعد اکثری را برای نشر اسکناس معین کردیم حالا بیائیم بنشینیم با موافقت دولت یک حد اکثر اسکناس برای مملکت معین بکنیم که در واقع پول خودمان را از این تاریخ به بعد تثبیت کرده باشیم، اختیار نشر اسکناس را هم غیر از مجلس شورای ملی از دیگران سلب بکنیم (صحیح است) این نظری است که بنده دارم و این قسمت به عقیده بنده یک تأثیر بسزائی در تثبیت نگهداشتن قیمت ها خواهد داشت، و اما قیمت نرخ لیره که بنده بآن اشاره کردم آنهم در دوره سیزدهم در ۵ تیر ماه قانونی از مجلس شورای ملی گذشت بنام قانون اجازه مبادله قرار داد هائی بین دولتین ایران و انگلستان بسته شد، در ماده ۶ آن قانون مینویسد که نرخ خرید لیره نبایستی از ۱۲۸ ریال کمتر باشد بنابراین در این قانون ۵ تیر ماه ۱۳۲۲ که در موقع جنک مجلس شورای ملی رای داد لیره

که ۶ تومان و ۷ قران بود آورد رای داد ۱۲۸۴ ریال این قضیه باعث شد که اجناس و کالاها بعد وقور گران شد مجلس شورای ملی ایران این قانون را تصویب کرد ولی این قانون ۵ تیر ماه ۱۳۲۲ در ماده ۱۵ آن صراحت دارد که پس از این که قشون متفقین از ایران رفتند این قانون لغو میشود و در پیرو همان اتحادی هم که بین دولتین ایران و شوروی و انگلستان منعقد کردیم آنجا ذکر کردیم که قشون متفقین هیچوقت ۶ ماه بیشتر از خانه نماند نمی توانستند در ایران باقی بمانند، از مجموع هراسی که بنده کردم نتیجه این است که در موقع جنک ما مجبور شدیم لیره ۶ تومان و هفت قران را ۱۲۴ تومان ۸ قران برسانیم و حالا که جنک تمام شده است و این قانون هم لغو شده است، هنوز آن لیره بقیت ۱۲۸ ریال باقی مانده است، امروز روزی است که ما باید در قیمت لیره تجدید نظر بکنیم ببقیده بنده ۱۲۸ ریال را باید بیآوریم یائین برای اینکه قیمت لیره بی اندازه در بالا بردن هزینه زندگی تأثیر دارد و همانطور که نشر اسکناس یک تأثیر بسزائی داشت این قیمت (۱۲۸) ریال هم تأثیر کلی دارد حالا بیبینیم آیا می توانیم این کار را بکنیم یا نه، در دوره چهاردهم قانون گذاری مجلس شورای ملی ایران یک قانونی گذراند بنام قرار داد برتن وودز و این قرار داد را مجلس شورای ملی تصویب کرده در ماده ۴ این قرار داد مینویسد که اگر مجلس شورای ملی ایران بخواهد نرخ لیره را تغییر بدهد باید بصندوق بین المللی مراجعه بکند یعنی این قانون را مجلس شورای ملی تصویب کرد باین نحو که اگر ما بخواهیم نرخ لیره را بیآوریم یائین و عمل کنیم تازه باید بصندوق بین المللی مراجعه کنیم ولی خوشبختانه یک تبصره های هوزی در این قانون هست که مینویسد هر عضوی می تواند نرخ برابری ارز خود را بدون حصول موافقت بصندوق تغییر دهد بشرط آنکه این تغییر در معاملات بین المللی امضاء بصندوق موثر نباشد چون وضعیت مالی ما این اندازه تأثیر ندارد که در معاملات بین المللی تأثیر بکند.

ما می توانیم بانک این بنده هوز نرخ لیره را بیآوریم یائین و از ۱۲۸ ریالی که مجبور بودیم آن روز تعیین بکنیم تغییر بدیم ببقیده بنده امروز حالا یکی از آقایان نمایندگان محترم که بنده باید اسم ببرم آقای اخوان اطلاعات بسیار سودمندی دارند و من از ایشان خواهش میکنم که هر وقت فرصت شد تشریف بیآورند و نیز این موضوع را روشن کنیم و یک یادداشت هائی هم مرقوم فرموده اند ولی من آنچه میگویم روی میزان فهم خود عرض میکنم ببقیده بنده امروز ما بایستی نرخ لیره را بیآوریم به صد ریال تثبیت بکنیم هر لیره صد ریال و یک قانونی هم از مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۲ اسفند ماه ۱۳۱۰ گذشته که می نویسد، که یک صد ریال برابر یک لیره بنام یک بهلوی طلا خوانده میشود مسکوک طلائی صدریالی دارای ۷،۳۲۲ گرم طلای خالص است روی این مآخذ و دلائل بسیار دیگری است که ما داریم، بنده عقیده ام اینست که باید ما لیره ۱۲۸ ریال را بیآوریم ۱۰۰ ریال بکنیم و دلار را بکنیم ۲۵ ریال و باین وسیله و موضوع نشر اسکناس که بنده عرض کردم هزینه زندگی را

بطور مسلم بیآوریم یائین (امامی اهری - آقای اردلان این کار مجلس است کار دولت که نیست) تمام این مملکت از گرانای زندگی بجان آمده اند حالا آقای امامی اهری میفرمایند آن با دولت نیست (ابوالقاسم امینی - بسیار صحیح است) جلی تأسف است وقتی که در یک موضوع راه شما نشان میدهند اینطور میفرمائید اما یک موضوعی که بنده میخواستم بجنب آقای وزیر اقتصاد ملی و جناب آقای وزیر دارائی هر دو عرض بکنم این موضوعی است که چون موضوع ارز بیجان آمد موسوعی است که ما هر روز در روزنامه ها می بینیم که بکلمه از بازار کفایت ایرانی را بداد گناه جلب میکنند برای اینکه تهدات ارزی بازار گانی خودشان را انجام ندادند ببقیده بنده باید در این خصوص تجدید نظر بفرمائید امروز مملکت ما احتیاج بصادرات دارد ما باید بهر نحوی است صادرات خودمان را تشویق بکنیم، این نظر را اگر دولت اتخاذ بکند هر تجاری را بیزار خواهد کرد از اینکه در امر صادرات دخالت بکند و پشت دست خودش را داغ خواهد کرد که کوچکترین کالای ایرانی را صادر بکند در موقه قشون متفقین در ایران بودند متفقین از دولت ما پول میخواستند و دولت ما مجبور بود که قوانینی بیآورد و از مجلس بگذراند که اسکناس بدست بیآورد و آتوقه اگر یک تجاری فرش صادر کرده بود میخواست ارز خودش را بفروشد ارزش را نمخیریدند آنوقت آن بیچاره مجبور بود که در بازار بهر نحوی کشفه با نرخ آتوقه هم که برابر نبود بفروشد امروز حق و عدالت حکم میکند شما که آن روز اوزان خریدید امروز بیایید با تفاوت دو قران، سه قران خرید و فروش تهه او را باطل بکنید و او را بدادگاه بفرستید شما وقتی بیاید صادر کننده را جلب کنید دیگر مجال است صادرات در مملکت مانع بگیرد، و ما امروز بهر قیمتی هست باید بکس سیاست اقتصادی مان طوری باشد که صادر کننده ما بعد اعلی تشویق و ترغیب شود (صحیح است) و اما اینجا باید ما اسفندناه قائل شویم یعنی این معامله را بیاتجار ایرانی نکنیم برای اینکه تجار ایرانی اگر ارزی در خارج داشتند یک چیزی ممکن است در خارج فروخته اند و یا اینکه از داخله بدست آورده اند در هر صورت این ارز در ایران میماند ولی تجار خارجی در خارج سکونت دارند و این ارزها را در بانکهای خارج گذاشته اند موجود فردا هم تذکره شان جیشان است بر میگردند و میروند آنجا (صحیح است) باید دولت و کمیسیون ارز بعد اعلی آنها را تعقیب بکنند بهتراست خودشان را ملزم بکنند که تهدات خودشان را به اوز اجرا بکنند (صحیح است) و اما بدبختانه بنده هر چه در روزنامه دیدم که دادگاه ویژه ارز ادا نامه صادر کرده است تمام برای تاجرهای ایرانی بوده بکنفر خارجی را ندیدم خواهش میکنم در اینخصوص توجه مخصوص بفرمائید (متمم دماوندی - مثل سال گذشته بایستی سهل شود) اما یک مطلب دیگری که در یائین آوردن هزینه زندگی تأثیر دارد موضوع توازن بودجه است اگر مملکتی بودجه اش موازنه نداشته باشد معال است که پول او ثابت بماند همیشه در نوسان است و بودجه ای که دولت گذشته

مجلس شورای ملی تقدیم کرده و موجود است مینویسد که عایدات پیش بینی شده برای سال ۱۳۲۶ پنج میلیارد و پانصد و پنجاه و نه میلیون ریال در صورتی که مخارج آن در سال ۱۳۲۶ هشت میلیارد و یکصد و بیست و یک میلیون ریال است این مسلم است که هیچ هقل سلبی نمیتواند قبول بکند که یک بودجه ای که عایداتش ۵ میلیارد است و هزینه اش هشت میلیارد این بودجه موازنه دارد ، به چوچه این بودجه نمیشود که موازنه داشته باشد ، در موقعیکه به جناب آقای سردار فاخر حرکت اظهار تمایل کرده بودند در جلسه خصوصی صحبت شد راجع بودجه و هزینه های زیادی و خیلی هم صحبت شد و مخصوصاً جناب آقای نبوی خیلی فرمایشات متینی فرمودند و من از ایشان خواهش میکنم که آن یادداشت هایشان را بکسیون بودجه التفات بکنند که مورد توجه قرار بدهند ، سایر آقایان هم در اینخصوص صحبت فرمودند بنده اگر بخوام در این خصوص بحث بکنم تکرار مکررات است و از این لحاظ عرضی نخواهم کرد (صحیح است) فقط بنده مطلبی که میخواستم عرض بکنم یک مطلبی است که گفته نشده و باید اینجا عرض بکنم و آن نظارت در خرج است این هشت میلیاردی که ما در بودجه بنام خرج منظور کردیم یک خرجی است که اگر ما بتوانیم یک دستگاه منظمی در مملکت بوجود بیاوریم که تمام هزینه های کشور با دقت تمام مو شکافی بکند و با اصطلاح ما ایرانیها مورا از ماست بکشیم میتوانیم در سال شاید یک میلیارد از این بودجه صرفه جوئی بکنیم این یک قدم بسیار مهمی است که باید دولت بردارد (صحیح است) بنده خودم عضو وزارت دارائی هستم و در اینخصوص اطلاعات کافی دارم معذرتاً دو روز وقت خود را در اداره قوانین مجلس شورای ملی صرف کردم و باور کنید آقایان هیچ مملکتی مثل مملکت ما قوانین مفید و سودمند برای نظارت در خرج ندارد قانون دیوان محاسبات است قوانین بسیار مفید دیگری هست ولی فرض بفرمائید برای بهداشت و رومین اگر بغواهد حقوق بدیده باید تطبیق اسناد و دیوان محاسبات و کلیه مراحل قانونی را طی بکند اما اگر شما بخواهید چندین میلیون تومان در اداره اقتصاد خرج بکنید هیچ مرکزی نیست که این را کنترل بکند یک مثلی است در زبان انگلیسی میگوید که وقتی که شما حساب یک بلی را نگهداشتید لیره خود بخود بدنبالش میآید این را ما باید نصب العین قرار بدهیم و بدانیم که اگر نظارت در هزینه بکنیم ما میتوانیم یک قدم مؤثری برای موازنه بودجه خودمان برداریم مثلا در بودجه ای که اینجا در دست بنده است می بینم کمی نویسد که زبان عمل کرد اداره کل قله وتان صد و نوزده میلیون ریال یعنی یکی یکی از ادارات تابعه وزارت دارائی صد و نوزده میلیون ریال در سال زبان کرد دارد و این بودجه مجلس شورای ملی که کمیسیون محاسبات حالا خواسته است یک کسکی برای پول تلگرافات و کلا بکند در سال سی میلیون ریال است از حیث حقوق نمایندگان ، کار بردازی و همه چیز سی میلیون ریال است در صورتی که زبان کرد یکی از ادارات بطوریکه عرض کردم صد و نوزده میلیون ریال است و بنده یقین دارم

که مدیر کل قله ، چه همینکه حالا هست ، چه آنکه بدهد از صاحب منصبان خوب وزارت دارائی هستند ، ولی روش صحیح نیست ، ما باید در مملکت یک روشی اتخاذ کنیم که تمام هزینه مملکت را یک دستگاه منظمی نظارت بکنند وقتی مابین را عمل کردیم بقیه بنده میتوانیم بودجه خودمان را موازنه بدهیم و کلاماً یک کمک مؤثری در پائین آوردن هزینه زندگی کرده باشیم ، بنده یقین دارم که اگر یک توجه دقیقی باین موضوع بشود ما می توانیم از این صد و نوزده میلیون ریال زبان کرد مبالغ هنگفتی صرفه جوئی کنیم و بصرفه مملکت قدم برداریم اینجا راجع نظارت در خرج که بنده صحبت کردم موقع مناسبی هست که یک موضوعی را عرض بکنم چون در تمام جرایم و معافان این موضوع صحبت شده است و جناب آقای تقی زاده نماینده محترم در دو جلسه راجع با آنهم صحبت فرمودند و آن این بود که آیا صلاح است که ما از یک دولت خارجی استعراض بکنیم یا نکنیم این یک مسئله اصولی بود و جناب آقای تقی زاده در وحله اول فرمودند صلاح نیست و در وحله دوم فرمودند ممکن است بشرطها و شروطها ، ببقیه بنده ماملکت را میتوانیم بشخص تشبیه کنیم اگر یک شخص یک خانه دارد و یک ملک خرابی دارد و این هم یک آدم مقتصد و صرفه جوئی است که دقت کافی میکند ، اگر این آدم پولی قرض کرد و زمین را آباد کرد بنظر آدم منطقی است که این پول را پس میدهد و دینش را ادا میکند و الا اگر یک آدم فرط و متلف و اسراف کنی بود که مثلا پول اتومبیل سواری نداشت و روزی ۱۰ مرتبه هم تاکسی میگرفت این مسلم است که اگر این شخص پولی قرض بکند علاوه بر اینکه ده را نمیتواند آباد بکند خانه اش راهم گرو می گذارد ، در این مملکت هم ببقیه بنده اگر دولت یک لایحه ای بیاورد و بگوید برای عمران کشور است و مقداری خرج لازم دارد و ما بایستی یک مبلغ هنگفتی قرض بکنیم اول کسی که بر خیزد و مخالفت بکند من خواهم بود چرا ؟ برای اینکه ما در این مملکت آن دستگاه نظارت در خرج را نداریم ، اما اگر ما با دقت یک دستگاه نظارت در خرج بوجود بیاوریم و با کمال دقت یکشاهی یکشاهی را موشکافی کنیم آنوقت اگر یک وزیری گفت آقا من میخواهم برای عمران یک مقداری خرج بکنیم ما بایستی هیچ وحشتی نداشته باشیم ، بنده در ایران مسافرت های زیادی کرده ام آقایان هم لابد تشریف برده اند ، شام فرض بفرمائید که اگر بخواهیم ما وضعیت ایران را که صدسال است همین بدبختی و فقر و فلاکت است همینطور نگاه داریم البته همین کرد و خوردی را میتوانیم پیش ببریم ، ولی اگر بخواهیم این مملکت را تکان بدهیم و یک وضعیت آبرومندی در آن وجود بیاوریم چاره ای جز اینکه یک پول زیادی بکار بیندازیم ، نداریم من فکر میکنم که خوزستان یکی از ایالات مهم ایران است پنجاه فرسخ مربع فرض بفرمائید که آنجا وسعت دارد و یک دویانی هم مثل رود کارون از وسط آن عبور میکنند (بگفتار نمایندگان - خیلی بیشتر وسعت دارد) این اراضی را نمیشود بایبل شخم کرد و نه میشود با سطل آب داد ما باید بالاخره یک فکری بکنیم

تراکتورهای وسیعی بیاوریم یعنی یک چیز مدرن امروزه و این عمل را باین یکشاهی صد دینار نمی شود انجام داد ببقیه بنده بایستی در درجه اول یک دستگاه منظمی برای نظارت در خرج بوجود بیاوریم یعنی من عقیده ام این است که آنچه در این مملکت از صندوق دولت خرج میشود باید یک دستگاه منظمی که دیوان محاسبات باشد واضع آن را مجلس شورای ملی مطابق قانون معین کرده است در آن نظارت بکند ، نه اینکه یک پولهای جزئی را او نظارت بکند ولی پولهای کلی را نمی داند که چه جور خرج میشود (صحیح است) یکی از عوامل مهمی که باعث گرانی زندگی در این مملکت میشود و بنظر بنده حائز اهمیت است و من تقاضا میکنم بآن توجه بشود موضوع این مطلب است یعنی جلوگیری از حمل کالاهای ارزاقی در داخل مملکت ، شما در هر کجای این مملکت می بینید هر روز پخشدار میکوبد و تصمیم میگردد که روغن فرضاً بآن نقطه حمل نشود ، چند روز پیش بنده مشرف شده بودم بقم وقتی بکهریز رسیدیم مامورین آمدند و جلو اتومبیل ما را گرفتند و چند نفر از آنها آنجا جمع شدند من پرسیدم قضیه چیست ؟ گفتند که میخواهند اتومبیل ما را تفتیش بکنند ، مدتی اتومبیل نشستم قریب بیست نفر بودیم مقداری هم چمدان داشتیم که بالای اتوبوس بود بعد آمدند گفتند که بفرمائید ما رقیبم آقایان اینکه بازرسی نشود این استفاده ایکه معنا مامورین میخواستند بکنند کردند یعنی از هر اتومبیلی بیش از پنج ماش تومانی گرفتند و آنها را روانه کردند ، امروز وقتی که فرماندار یک جایی ، استانداری یک جایی تصمیم میگردد که از خروج کالائی جلوگیری بکند و کالای ارزاقی از یک نقطه ای ببقیه دیگر نرود ببقیه از مامورین دولتی در آنجا اقدام میکنند ولی به چوچه جلوگیری حقیقی نشده است و بنا بر این باعث میشود که زندگی گران بشود ببقیه بنده جناب آقای وزیر کشور بایستی توجه بفرمایند و این موضوع را رفع بفرمایند و ما هم بایستی یک قدم جدی تری در مجلس شورای ملی برداریم ضمن متمم بودجه یا در ضمن یکی از اوراق مالی یک تبصره ای بگذاریم که حمل کالاهای ارزاقی در داخل مملکت مطلقاً آزاد است و هیچکس حق ممانعت ندارد (صحیح است) (دکتر امینی - اصلاً ممنوع کردنش برخلاف قانون است) آقای دکتر امینی امسال بنده رفتم بکرمانشاه و همدان در یک کاراژی رفتم گفتم آقا وسیله برای همدان دارید یک کسی آمد آنجا گفت میخواهم پنج خروار سبب زمینی بتهران بفرستم ، گفت فرماندار قدغن کرده است (دکتر امینی - بخود کرده است) این مسائل آقا تاثیر کلی در هزینه زندگی دارد عرض کنم هر چند که بنده راجع بصرفه جوئی صحبت کردم ولی بعضی خرجها هست در مملکت که همانطور که نان برای خانه واجب است بعضی خرجها هم برای مملکت واجب است و آن احیاء نیروی دریائی است در زمان شاه قهید این نیروی دریائی وجود داشت که بسیار برای مملکت مفید بود ببقیه از جوانان رانر ستاده بودند در ایالت های سایر

نقاط درس خواندن و آمدن دولتی یکی از ضایعاتی که در زمان متفقین بنا وارد شمعین موضوع است و بنده حالا از جناب آقای وزیر جنک تقاضا میکنم که این موضوع را در نظر داشته باشند که تمام سواحل جنوبی ما بادرای آزاد وصل است ، امروز هم یک دولت جدیدی همسایه ما است و آندولت هندوستان و دولت پاکستان است که بوجود آمده و ما برای حفظ سواحل خودمان برای سلطه در جزائر جنوب خودمان مثل جزائر بحرین و جزیره قشم و سایر جزائر (صحیح است) باید حتماً نیروی دریائی داشته باشیم (صحیح است) و افسرهای لایق تربیت شده ای هم ما الان موجود داریم بنا بر این تمنی میکنم بفرستند این رادر بودجه تأمین بفرمایند یکی از آقایان نمایندگان محترم راجع با ایجاد امنیت قضائی به بنده یادداشت نوشته اند که واقفاً یکی از اشخاصی که راجع به تفسیر اصل ۸۲ متمم قانون اساسی در این جا صحبت کرد و اصرار و با فشاری نمود خود بنده بودم ولی بنده در این جا نفواستم تمام قضایا را مخلوط بکنم و خواستم هر کسی سهم خودش صحبت بکنند و فقط راجع باین آوردن هزینه زندگی هر ایسی داشتم که عرض کردم و حالا هم اجازه میخواهم از وقت استفاده بکنم و راجع بعوزة انتضاییه خودم مطالبی را عرض برسانم ، (نمایندگان بفرمائید آقا) حوزه انتخابیه بنده کردستان شاید یکی از زیباترین نقاط کشور ایران باشد ولی بد بختانه چون راه ندارد قسمت مهم اهالی این مملکت آنجا را ندیده اند اصلاً نمی دانند که آنجا کجاست من دو مرتبه در این جا تقاضا کردم که وزارت راه حالا هم که وزیر راه در راه است و این جا نیستند که هر ایس بنده را گوش بکنند ولی بنده از یکی از آقایان تمنی میکنم که یاد داشت بفرمایند که آذربایجان را بکردستان و خوزستان و دریای آزاد وصل بکند ساخته بشود که محصول خشکبار آذربایجان را بتوانند بدریای آزاد برسانند و کمک مهمی بوضع اقتصادی این استان عزیز ما که آذربایجان است بکنند و در عین حال کاینکار عملی میشود کردستان نیز مورد استفاده قرار بگیرد و این راه باز شود و ایجاد این راه بشود که از کردستان برود به میاندوآب ، در وزارت راه کمیسیونهای متعددی تشکیل دادند و بنده هم رفتم آنجا ، نشستیم و صحبت کردیم هفت میلیون تومان بر آورد این راه شد و مدت سه سال هم بر آورد شد که این راه ساخته بشود ، من از نمایندگان محترم آذربایجان که در کمیسیون بودجه هم تشریف دارند تقاضا میکنم کمک بفرمایند که این در بودجه منظور شود و این راه ما بین کرمانشاه و میاندوآب ساخته بشود ، چند روز قبل یک مسافری از کردستان بمنزل بنده آمده بود بنده از او از کردستان جو یا شدم که مسئله طاهون که شیوع داشت چطور شد ، گفت بجمده الله آن قضیه که بر طرف شد ولی من خواهش میکنم یک بلای دیگری که برای ما پیش آمده و نازل شده توجه بکنند من پرسیدم چیست ؟ استدعا میکنم آقای وزیر کشور توجه بفرمایند ، از روزی که گفتند در کردستان طاهونست چند بست زانداوم گذاشته آنجا که مردم از کردستان عبور نکنند و ممانعت بکنند

از اینکه اهواس تردد نکنند بکردستان و بنیابند بکرمانشاه که مبادا این مرض مسری سرایت پیدا بکند از آن روز تا حالا هر رجهتی که از آنجا رد میشود از خودش از خرس از قاطرش پول میگیرند و میگویند که تو طاهون زده هستی من از آقای وزیر کشور خواهش می کنم که توجه بفرمایند نه فقط دیگر این پول ها را نگیرند بلکه آنچه پولی که از بابت طاهون زدگی از مردم بیچاره گرفته اند آنها را بهشان پس بدهند (صحیح است) خیلی بنده متشکر بشوم و آخرین عرض بنده آنهم از جناب آقای نخست وزیر است راجع بانتخابات مهاباد ما راجع بانتخابات مهاباد یک خواهشی فقط بیشتر نداریم و آن این است که یک اشخاصی در آنجا بنام دولت مرکزی می خواهند اعمال قدرت بکنند و یک اشخاصی را کاندید کرده اند (بگفتار از نمایندگان - این کار غلط است) این شایسته نیست من عقیده ام این است که جناب آقای نخست وزیر دستور بفرمایند که هیچکس حق اعمال قدرت از طرف دولت ندارد وانتخابات آنجا کاملاً آزاد است هر کس را که اهالی میل دارند انتخاب بکنند ، مخصوصاً جناب آقای آصف نماینده کردستان دو مرتبه در پشت این تریبون تشریف آوردند و تذکر دادند و در انتخابات آنجا مردم دکاکین را بستند و بالاخره انجمن نظار هم خودشان استعفا دادند این است که برای اینکه انتخابات آنجا وقفه درش حاصل نشود خواهش می کنم اولاً دستور بفرمائید انتخابات آنجا شروع بشود و تانیاً آزادانه بدون مداخله مأمورین دولت باشد که ما بتوانیم انشاالله شاید یک نماینده محلی خوبی بیاوریم خودمان داشته باشیم این بود آخرین عرض بنده

بأتم القلیچ - آقای سر لشکر ان اولی حتماً همینطور خواهند کرد

رئیس - آقای دکتر ملکی

دکتر ملکی - من عضو فرا کسیون اتحاد ملی هستم و فرا کسیون اتحاد ملی بکایت جناب آقای حکیمی رای تمایل داده است مایه بسی خوشوقتی و امید و آرزوست که بکمر دهن پرست و بی غرض و اصلاح طلبی مثل جناب آقای حکیم الملک در راس هیئت دولت قرار دارد (صحیح است) ما جناب آقای حکیمی معتقد هستیم و بکایت ایشان رای اعتماد خواهیم داد و از خداوند متمال در خواست مینمائیم که ما موفق گردانند که افاض خصوصاً را فراموش نموده و در این موقع سخت و بحرانی جهان متحداً به بهبود اوضاع و نجات میهن عزیز قیام و اقدام نمائیم . آقایان محترم ۴۲ سال از مشروطیت ایران میگذرد در این مدت دولتهای متعددی بروی کار آمده و رفته اند ، در برنامه های مشتمع این دولتها همه جا صحبت از اصلاحات امور کشور بوده است ولی ، عملاً کاری برای ملت ایران انجام داده نشده است و امروز ملت ایران در یک وضعیت بسیار اسفناک و دردناکی زندگانی مینماید همه بیکار دست بروی دست گذاشته منتظر رسیدن کمک از قیب میباشد ببقیه من اولین قدمی که برای اصلاحات کشور باید برداشته شود اصلاح امور اقتصادی کشور است (صحیح است) یعنی باید بکار های تولیدی کشور همت گذاشت و حاصل دست رنج عمومی مردم ایران را ترفی داد و زیاد کار کرد و زیاد حاصل برداشت

تا اینکه احتیاجات عمومی کشور مرتفع گردد به طوریکه آقایان مباداند ثروت هر کشوری عبارت است اول از منابع خدادادی و طبیعی مانند معادن استمداد کشاورزی جنگلها و غیره دوم ثروت احدائی نسلهای گذشته مانند شهرها ، کارخانه ها ، ساختمان ها ، سازمانهای عمومی و غیره سوم قوه کار ملی یعنی توانائی کلیه کردن ملت تاقوه کار نباشد از دو عامل نامبرده در فوق نمیتوان استفاده نمود یعنی موقعی که عامل کار با منابع طبیعی توام شود نتیجه اقتصادی بدست خواهد آمد امروز اکثریت ملت ایران بایکار و وامشغول کار های غیر تولیدی و طفیلی میباشد در دنیا ممالکی هستند که دارای ثروت طبیعی نمیشوند البته آنها احتیاج بکمک دیگران دارند ولی مملکت ایران بجمده الله مملکتی است ثروت مند در اینجا لازم است با هدورقم از کارهای تولیدی که در کشور ما مطالعه و پیش بینی شده چندین مثال کوچک ذکر نمایم آقایان ، امروز در کشور ما سالیانه پنج میلیارد ریال آفات نباتی داریم که اگر اقدام بیمارانه نمائیم این مبلغ که تقریباً دولت بودجه کشور است عاید کشور خواهد گردید (صحیح است) و سالیانه یک میلیون و پانصد هزار عدد کوسفتد و دوست هزار گاو و در نتیجه نداشتن وسایل مبارزه با آفات حیوانی تلف میشوند و این خود بالغ بر یک میلیارد و دوست میلیون ریال میشود مطابق تشخیص متخصصین کشاورزی (هیئت برنامه) حالبه داخل جنگلهای ایران سیصد و پانزده میلیون متر مکعب چوب بواسطه نداشتن وسائل و راه مشغول بوسیدن است (صحیح است) و اگر هر متر مکعب را به قیمت خیلی ارزان یعنی ۲۰ تومان حساب کنیم مبلغی معادل تقریباً هفتاد میلیارد ریال بدست خواهد آمد یعنی دهسال بودجه کل کشور محصول سالیانه ماهی اخلیج فارس اگر اقدام شود سالیانه برابر خواهد بود با دوست میلیون تن ماهی یعنی معادل چهار میلیون کوسفتد (صحیح است) حالا باداشتن آب و هوای مختلف و محصولات مختلف میتوانیم از توتون کاری و پنبه کاری ، مرکبات ، چغندر کاری ، نیشکر کاری ، زیتون کاری ، خرما ، چای - کرم ابریشم ، نباتات گرمسیری ثروت بزرگی برای کشور ایجاد نمائیم و اما در امور صنعتی در برنامه ۷ ساله پیش بینی شده است که در مدت هفت سال محصولی برابر صد و هشتاد و سه میلیون متر قماش ، یک میلیون متر حریر ، ۳ میلیون متر پارچه پشمی ، ده میلیون متر کونی ، دوست هزار بقیه نخ ، صد و بیست هزار تن قند و شکر ، نود هزار تن آهن ، هشتاد و چهار هزار تن مواد شیمیائی برای صادرات ، چهار صد هزار تن ذغال سنگ و بهره برداری از معادن گوگرد و مس و نفت و غیره داشته باشیم نمخواهم آقایان را با عدد و رقم خسته نمایم ولی بطوریکه می بینم اگر کار بکنیم همه چیز داریم و اگر کار نکنیم هیچ چیز نداریم ، اگر کار باشد بهره از کار برداشته میشود آنوقت دیگر مردم با ادارات هجوم نخواهند آورد بلکه خود دو صد ایجاد کارهای تولیدی خواهند بود باید بابتکار ارزش بزرگی قائل شوند و مبتکرین را تشویق نمایند و بانکها سرمایه با تنزیل خیلی جزئی در اختیار آنها بگذارند تنزیلهائی را که بانکهای دولتی ما میگیرند هر چند که جدیداً مختصر تنزیل داده شده است ولی باز خیلی زیاد است اصلاح وضعیت اقتصادی

از همین جا شروع میشود باید هر کسی که بخواهد ابتکاری از خود بفرج دهد یا بکار تولیدی آغاز نماید امکان قرضه با تنزیل کمرا داشته باشد و بلاواسطه سازمان ادارات و تشکیلات دولتی یکی از موانع بزرگ کارهای تولیدی کشور گردیده است بهر کاری که بکنفر میخواند دست ببرد با هزاران مشکلات غیرقانونی دولتی و طمع های شخصی و حسادت های اداری روبرو خواهد گردید و تا بخواهد در حل این مسائل بکوشد قوه خود را از دست داده است و دیگر اصلاً ملایل وحی توانا بکار کردن نیست وای که گرفتار چرخهای دادگستری نیز بشود آنوقت دیگر باید همه کارهای خود را ول کند و تمام عمر سر یک مرافعه و یا ادعای کوچکی بی این وکیل و آن وکیل این محکمه و آن محکمه ببرد و عاقبت هم نتیجه ای نگیرد میگویند وقت خلاصت بلی طلا است بشرط اینکه در کارهای مفید تولیدی مصرف شود یکمده از جوانان کشور در زمان شاه فقید باوریا و امریکا رفتند تحصیل کردند ، معلومات و تمدن غربی را با ایران آوردند و یکمده دیگر موفق به کسب علوم جدید در ایران گردیدند ولی هیچ گونه وسیله ای در اختیار آنها گذاشته نشد و از آنها هیچ استفاده ای نشده و نمیشود (صحیح است) بیشتر آنها یکبارویا در کارهای غیر مؤثر قرار گرفته اند البته تقصیر بزرگ بگردن همین جوانان تحصیل کرده و روشن فکر کشور است چون آنها که طبقه فهمیده کشور هستند مسئول خرابی کشور میباشد آنها چشمی بینا و هقل و فکری توانا دارند باید از میدان مبارزه بدر نروند و باید اقتدر مبارزه نمایند تاحق بر باطل و مزدا بر اهرمن غالب آید ناامیدی معنی ندارد ناامیدی یعنی مرگ تا دنیا هست ایران هست و تا بشر هست ایرانی هست زندگانی همان امید و آرزو میباشد باید امیدوار بود و کار کرد البته دولت باید نسبت باین طبقه از ملت ایران توجه مخصوصی مبذول دارد و از وجود آنها استفاده نماید اساساً تشکیلات مملکت و سازمان اداره کشور را طوری جور کرده اند که همه اهل مملکت صبح تا شام میدوند ولی کار نمیکند کار آنست که حاصل و ثمری از آن برده شود کاری که ثمر و بهره ای ندارد آنرا بازی میگویند اگر مقدار کلیرا که بکنفر در تمام مدت عمر در کشور ما انجام میدهد حساب نمایند خیلی ناچیز خواهد بود وضعیت بزندگان بیشتر در نتیجه همین مؤسسات و ادارات و سازمانهای بیج در بیج دولتی است (صحیح است) کسانی که پنجاه سال پیش دهات ایران را دیده اند میگویند که در آن زمان یکدهقان از حیث خوراک ، لباس ، منزل و بهداشت هزار مرتبه بهتر از امروز زندگانی می نموده است دوا این چند سال گذشته از یکطرف مأمورین دزد و خائن و سازمانهای دزدی ملت بیچاره را مستقیم و غیر مستقیم چپیده و بیچاره و بیبنا نموده اند و از طرف دیگر موانع بیشتری در سر راه کارهای تولیدی ایجاد نموده و زمینهای حاصلخیز ایران را تهدید ، بصرهای بی آب و هلف کرده اند من تمام نواحی ایران را دیده ام موقعی که وظیفه مقدس سر بازی را انجام میدادم و بهداری دانشگاه جنگ با من بود

با انصران ارتش بتمام نقاط ایران رفته ام بدینجهانی را که با چشم خود دیده ام اگر بنویسم کتابی بزرگ و دردناک خواهد گردید در بعضی از نقاط ایران مردم در سال سه چهار ماه گرسنگی میکشند و عطف میخورند در شوش که يك قصبه است وقتی وارد شدیم تمام اهل قصبه گرفتار حصه و در بستر مرگ خفته بودند منزل نداشتند ماوی نداشتند غذا نداشتند و دوا پزشکی نداشتند اهالی بعضی از جزایر خلیج فارس مانند جزیره لارک همه گور هستند فقط دو سه نفر چشم دار در آنجا بود که وقتی برای ماهگیری میرفتند يك چشمه دار و چند کور در فایق می نشست همه جا از مأمورین دولت و از رفتار غیرقانونی و توقعات مالی آنها شکایت می نمودند در خراسان بین مشهد فلان و دوش برون آبادی های زیادی بود برعکس جاهای دیگر همه آباد و دهقانان این ناحیه تروتمند لباس خوب ، خانه خوب میزو صندلی سماور و فرش و قالی و همه چیز داشتند و به افتخار افسران ایرانی در هر دهی يك گاوی و چندین گوسفند قربانی نمودند پس از تعجب زیاد تحقیق شد معلوم گردید که هنوز بای اینه آن زمان و زندان مرمری امروز به آنجا رسیده است و مأمورین دولتی چندان رخنه ای در آنجا نکرده اند آقایان سابقاً بیشتر نقاط ایران اینطور آباد و فراوانی بوده است این قصرهایی که در تهران از زمین روئیده است قیمت همان گاوی گوسفند و خانه مسکن رعیت و کشاورز است که به اقسام مختلف خلاف قانونی از دست آنها گرفته شده است و در تهران تبدیل بباکهای شخصی گردیده است این ادارات عربی و طولی با این مأمورین رتبه های نهوده غیر از اینکه با رجامه ای که خود نیز عضو آن هستند باشند فایده دیگری ندارند آقایان ، مالیات مستقیم که در بودجه ذکر شده است پنجاه میلیون تومان است و هفتصد و پنجاه میلیون تومان دیگر مالیات غیر مستقیم از طبقه ملت فقیر و بدبخت و فلک زده و گرسنه ولخت ایران گرفته میشود کدام مأمور شرافتمندی حاضر است که کار نکند و مجاناً از مالیه مملکت که از لقمه نان دهقان و از لباس کودکان لغت و عور گرفته میشود حقوق بگیرد مخصوصاً یکمده از مأمورینی که تروتمند هستند و احتیاج بعقود دولتی ندارند و بلاواسطه بنا باقرار دولتبان کثرت اعضاء سبب انجام نشدن کارهای ادارات نیز گردیده است من پیشنهاد می نمایم اولاً کمیسیون مرکب از چند نفر اشخاص صالح کشور تشکیل شود اعضاء ادارات را بدون استثناء که ثروت آنها از يك میلیون ریال تجاوز نماید از کار دولتی برکنار نمایند تا بکارهای آزاد کشاورزی و صنعتی و غیره بپردازند و سایر مأمورین دولتی که باقی می مانند اول کادر اعضاء لازم هر وزارتخانه تعیین شود و از بین باقی مانده اعضاء این کادر انتخاب و بقیه را بکارهای تولیدی بگمارند و با آزاد بکنند و منتها حقوق آنها را همراه بپردازند این کار اقلاً يك منفعت دارد و آن این است که این مأمورین زیادی فقط از حقوق استفاده خواهند کرد از اتومبیل های دولتی ، بیشخصتهای وزارتخانهها ، کرایه خانه ها برای ادارات ، سوخت زمستان ، نوشت افزار ، تلفن و برق و غیره صرفه جوئی بزرگی برای دولت خواهد گردید و تا موقعیکه این آقایان کار پیدا نکرده اند

حقوق و مقرری خود را بگیرند راه دیگر مبارزه با دزدی و رشوه خواری و مجازات دزدان و خائنین اجتماعی است ملت ایران از دیر زمانی منتظر چنین روزی است و از دولت جناب آقای حکیمی تقاضای اقدام باین کار را دارد و لازم است که در برنامه دولت مخصوصاً باین موضوع صریحاً اشاره شود و اقدام فوری و جدی بشاید آقایان اگر ازدزدی جلوگیری شود و دزدان اجتماعی را در هر درجه و مقامی که هستند مجازات برسانند اولاً کارها اصلاح و تا بناید بگرد مردم برای بست آوردن مشاغل دولتی با ادارات هجوم نخواهند کرد چون وقتی که راه استفاده و دزدی بسته شد حقوق ناچیز ادارات طمع اینگونه اشخاص را راضی نگاه نخواهد داشت همان طوریکه در اول مرض شد راه علاج قطعی ایجاد کارهای تولیدی و فراهم آوردن کار آزاد است و کمک کردن ب مردم است که بتوانند کار آزاد تولیدی شروع نمایند آقایان ما که تنها در دنیا زندگانی نمی کنیم سایر ملل جهان نیز زندگانی دارند و نظم و ترتیب و تقسیم کار است که آنها را بجلو برده است و نداشتن برنامه کار علاوه است که ما را به نیستی سوق میدهد یک ملتی در ایران زندگانی مینماید که کشاورزی آن بطرز زمان هفتاد و هشتاد است همان کشاورز اما ضعیف تر و لاغر تر و بیادتر ، همان گاوی اما نحیف تر و همان طرز کشاورزی در بناب کبکی از بخشهای حاصلخیز شهرستان مرافه است طرز آبیاری با سلوب زمان فراغت مصر با سطل و دست انجام می پذیرد در کرمان آدم بگاو آهن می بندند این يك عکس است که از کرمان برداشته شده است و برای من فرستاده شده است و وزارت کشاورزی با بودجه ۲۱ میلیونی خود کوچکترین اثری در زندگانی کشاورزی این مملکت ندارد يك میلیون و نیم در سال برای محل وزارت کشاورزی در خیابان فردوسی کرایه پرداخت می شود ، دوست اطاق و چندین هزار کارمند پشت میز هانسته اند نمی دانم در خیابان فردوسی بچه قسم زراعتی مشغول هستند (احسن) اما بداهات و مراکز کشاورزی که بر رویه اثری از وزارت و تأسیسات کشاورزی نیست در همه جای دنیا تأسیسات است و تلگراف یکی از مراهبات دولتی محسوب میشود ولی در مملکت ما وزارت پست و تلگراف هیجده میلیون تومان خرج میکند و یازده میلیون مایهات دارد آنها طرز کارش میباشد در مراه تلگرافی برای تهران داده بودم از رئیس تلگراف پرسیدم مضایر شده است گفت بلی تلگراف را فرستادم پرسیدم چطور فرستادید گفت برای اینکه زودتر برسد با پست فرستادم اینهم طرز کار اداره پست و تلگراف است در ممالک دیگر پست خانه مرکزیت بزرگی دارد حوائج بزرگ مردم را انجام میدهد مثل يك بانگ مطمئن و سریع العمل است و غیر از رسانیدن مراسلات و تلگرافات حوائج دیگر مردم را مرتفع میسازد اصلاً مردم باهم کار ندارند کرایه خانه پول تلفن پول برق ، بهاء آب و کلبه برداختهای خود را بوسیله پستخانه میفرستند پستخانه مانند يك بانک بزرگی عمل مینماید و از این راه و از وقت مردم که در آنجا خلاصت صرفه جوئی بزرگی شده و با اقتصادیات کشور کمک مینماید و اما بهداشت عمومی نتایج بزرگی که بکارهای گذشته وجود با عدم وزارت بهداری در بهداشت

عمومی کشور هیچگونه اثری نخواهد داشت یعنی وزارتخانه بیفایده ای است وزارت بهداری چندین بیضخانه بی دوا و پزشکی و غذا را اداره میکند يك مقدار دواهای قلابی تحویل بیمارها مینماید آقایان تکلیف اولیه وزارت بهداری جلوگیری از بروز بیماری است (صحیح است) باید وزارت بهداری مالاریا را از بین ببرد باید از ظهور حصه جلوگیری نماید باید با تراخم که عاقبت منجر بکور شدن چشمهای ایرانیان خواهد گردید مبارزه شیدی آغاز نماید والا مردم بیمار میشوند و در بیمارستان ناقص بستری شده بمرند این چه بهداشتی خواهد بود در شهرستان مرافه مردم صدی صد مبتلا مالاریا هستند صدی شصت مبتلا به تراخم صدی هفتاد مبتلا به امراض مقاربتی صدی پنجاه مبتلا بکرم اعضاء دیگر آدم سالمی باقی نماند این وضعیت يك شهر نسبتاً آباد ایرانست وای بجاهای دیگر من در بیمارستان های آلمان مدتها کار کردم وقتی یکنفر آلمانی از نواحی مالاریا خیز مشرق زمین مراجعت میکرد و مالاریا داشت میگفت که هر من تمام شده است و بقیه عمر گذران است نه زندگانی و ما همه دچار این بیماری هستیم و تا اکنون هیچ نقشه صحیح و عملی برای از بین بردن این بیماری خانمانسوز تهیه نکرده است و قوای بدنی و روحی و قوه کار ملت را کسر مایه حیات آنست از بین برده و میرد (صحیح است) تراخم بیماری است که اگر کسی گرفتار آن باشد بعضی ازممالک متلامریکارانه نمیدهند و در مملکت ما بیماری عادی میباشد تاکنون اقدام مؤثری برای از بین بردن آنها نشده است بودجه وزارت بهداری ۲۸ صدم بودجه کل کشور را تشکیل میدهد و وزارت بهداری این ۲۰ میلیون را بعقود کارمندان و اداره چند بیمارستان ناقص صرف مینماید ، آقایان با همین بیست میلیون تومان در هر سال میتوان قسمتی از بیمارهای نامبرده را از بین برد و ملت ایران را از آن رهایی بخشید این يك کار تولیدی خواهد بود چون با از بین رفتن مالاریا ، تراخم و سایر بیماریها قوه کار یعنی ثروت عمومی زیاد تر خواهد گردید (صحیح است) من نقشه ای برای بهداشت کشور دارم که بموقع تقدیم خواهم نمود ، در درجه اول احتیاجات اولیه اهالی این کشور باید تأمین گردد اول غذا لازم است دوم لباس لازم است سوم خانه لازم است و چهارم بهداشت و پنجم فرهنگ تا غذا نباشد لباس نباشد نجاف و محافظت از سرما نباشد پزشکی و دارو چه فایده ای دارد در مرافه وقتی بیمار گفته میشود هفت روز گوشت نخورد جواب میدهد هفت سال است که گوشت نخورده ام آقایان ، همه ملت ایران (سوزالیانه) یعنی گرسنه نسبی هستند ما ها که اینجا نشسته ایم اگر از نقطه نظر پزشکی مایه شوبم صدی پنجاه ما مبتلا بگرسنگی نسبی و فقدان ویتامین میباشد با استثناء ده هزار نفر بالا بقول جناب آقای تقی زاده بقیه افراد ایران لباس صحیح ندارند لغت و عود و بای برهنه زندگانی مینمایند . (صحیح است) خانه جز يك لانه گلی چیز دیگری نیست آنوقت يك طبیب با چند عدد فرس که گنه فلاپی در يك ناحیه مالاریائی چه فایده را خواهد داشت موضوع دیگری که باید در برنامه دولت ذکر شود اجرای شدید قانون و تصویب نامه منع کشت و استعمال تریاک است . (صحیح است)

آقایان ملاحظه کنید که تصویب نامه ای در تاریخ ۲۳ تیر ۲۵ برای منع کشت و استعمال تریاک بتصویب رسید و بطور جدی از کشت خشخاش جلوگیری بعمل آمد ولی ناگهان نمیدانم چه پیش آمدی رخ داد که در تاریخ ۲۹ تیر ۳۲۶ تصویب نامه زیر بتصویب رسید : تصویب نامه هیئت وزیران راجع بخرید تریاک ۱ - برای جلوگیری از مصرف قاجاق تریاک که بکها بیکه برخلاف تصمیم دولت در بعضی از نقاط کشور در سال ۱۳۲۵ کاشته شده بوزارت دارائی اجازه داده میشود که محصول شیره آنرا جمع آوری نموده و منحصرأ برای صدور از کشور بفروش رسانند . ۲ - وزارت دارائی مجاز است حق از حومه جمع آوری تریاک را بقصرار سه کیلو بماند کیل ۲۸ سیر مبلغ ۱۵۰۰ ریال بپردازد . خرید قاجاق از طرف دولت . عجب منطقی ، تشویق قاجاقچیان ، نا امیدی و بشیمانی اشخاصی که تصمیم دولت راعملی نموده اند . شایسته بود نقاطیکه کشت خشخاش بر خلاف تصمیم دولت شده بود یاد داشت میشد تا مسئولین امر شناخته شوند آیا میخواهید بدانید که تریاک با ما چه می کند ؟ سالیانه صد هزار نفر در اثر اعتیاد به تریاک تلف میشوند سالیانه پنجاه هزار نفر کودکان بی سرپرست مینمانند ، سالیانه ۵۰ هزار نفر با تریاک خود کشی مینمایند ، يك میلیون و نیم از طبقه فعال کشور معتاد به تریاک میباشد ، شبانه روز دویست میلیون گرم تریاک دود میشود شبانه روز ده میلیون ریال اقله لدر میرود یعنی تقریباً نصف بودجه کشور ، با اینوقت و این سرمایه چه کاری نمیتوان کرد ؟ کرمان - سیستان - بلوچستان و بنادر در اثر تریاک بویرانه مبدل وسکنه آنجا چه از حیث کمیت و چه از حیث کیفیت روبرو است . خراسان مرکز تمدن گذشته خاور میانه رو بانهدام است مردم مازندران و گرگان با داشتن منابع سرشار طبیعی در فقر و بیچارگی بسر میبرند . ایندردخانمانسوز با دریا بچنان سربست نموده است . لازمست هر چه زودتر قانون منع کشت و استعمال تریاک را شدیداً اجرا نمود تقاضای ما از جناب آقای حکیمی اینست که در برنامه دولت اجرای جدی این قانون را تعهد نمایند . در اینجا لازم است تذکر داده شود که طبقه روشنفکر کشور با پیشنهاد هائی راجع با کتفاء و بائین آوردن سطح زندگانی طبقه بالا موافق نیست گفته شد اینجا يك کار مشکلی است . آقایان ، وقتی باید صحبت از سطح زندگانی يك ملتی نمود که يك زندگانی موجود باشد یعنی خانه باشد ولی مدرن نباشد لوله کشی و برق نداشته باشد ، لباس باشد از پارچه انگلیسی نباشد . غذائی باشد نان و پنیر کفش باشد از چرم ساده دوخته شده باشد بهداشت باشد مدرن نباشد فرهنگ باشد ولی خواندن و نوشتن بیاموزد آنوقت می توان از سطح زندگانی معینی صحبت کرد . ولی موقعیکه طبقه مردم کشور بقول جناب آقای تقی زاده فاقد همه گونه وسائل زندگانی و در بعضی جاها اصلاً مثل زمان آدم و حوا لغت و عود زندگانی مینمایند دیگر نمی توان از سطح زندگانی صحبت نمود آقایان در جزایر و سواحل خلیج فارس

همه بیهان مالخت و عریان بدون خانه و مسکن در میانه صحیر هائیکه ازنی ترتیب داده اند زندگانی میکنند و غذای آنها فقطو فقط ماهی است و از سایر وسایل زندگانی محروم هستند در اینجا دیگر نمی توان از يك سطح معین زندگانی صحبت کرد اینجا چارهای جز بالا بردن سطح زندگانی نیست بیشتر ایرانیان جنوب ایران در يك چنین وضعیت اسفناک و دردناکی زندگانی مینمایند حقیقتاً باید دید و بقمیده من برهنه مانده مجلس لازم است که همین خویش را از نزدیک دیده باشد تا وقتی صحبت از زندگانی عمومی کشور میشود بتواند قضاوت صحیح بشناید . جزیره هرمز را مثال میآورم موقعیکه بجزیره وارد شدیم يك ناوی ایرانی برای خدمت بیهن یکمده از کودکان جزیره را خواندن و نوشتن آموخته بود و برای تشریفات ورود افسران با آنجزیره آنها را مهابای پذیرائی کرده بود ، از دوردورد شاهنشاهی بگوش ما رسید چون نزدیک شدیم قریب به بیست نفر دختر و پسر همه لغت فقط یکمده نی بجای لنگ بکمر بسته بودند همه لاغر مانند اسکلت ، چشمها فرورفته پراز چرك تراخم اینها ساکنین آن جزیره ایران می باشند شاهد این حکایت سراسر بکر رزم آرا رئیس ستاد کنونی است که از مشاهده این منظره هولناک همه همراهان بحال زار ملت ایران گریستند . آقایان نمایندگان ملت ، سطح زندگانی اکثریت ملت ایران این است جز بالا بردن سطح زندگانی چارهای نداریم البته اشتباه نشود هرگز زندگانی را که در نتیجه عدم لیاقت متصدیان امور کشور خیلی بالا رفته است باید باین آورد ولی سطح زندگانی را باید بالا برد . آقای اردلان میگویند میخواهند برای اجرای برنامه هفت ساله دوست و پنجاه میلیون دلار از آمریکا قرض نمایند آقایان دوست و پنجاه میلیون دلار میشود هشتصد میلیون تومان یعنی یکسال بودجه کشور ، در مملکت ما ثروت عمومی بحد کافی برای شروع بکارهای تولیدی هست ثروت عمومی فقط پول نیست پول و سرمایه در دنیای امروز در درجه دوم قرار دارد نقشه های اقتصادی لازمست ، باید از ملل دیگر یاد بگیریم ، بزرگترین سرمایه قوه کار و استعداد طبیعی است که ما از هیچکدام استفاده نمینمائیم اگر در بودجه کشور صرفه جوئی شود و مخارج زائد حذف گردد و مأمورین زیاد پرا از پشت میز برداریم و با مازاد عایدات دولت بکار های تولیدی بگماریم و ملت بیکار ایران را بیکار های مفید تولیدی واداریم ثروتی ایجاد خواهد گردید که تمام اهالی کشور در رفاه و آسایش زندگانی نموده و دارای همه گونه وسایل مدرن زندگانی خواهند گردید (صحیح است) ما دولتی میخواهیم که بزندگان امروزه دنیا آشنا باشد و بی غرض بوده و سعادت کشور را در نظر بگیرد آقایان ، آلمان هشت سال پیش از جنگ يك مملکت ورشکسته بود که هشت میلیون بیکار داشت که از صندوق دولت زندگانی مینمودند با يك نقشه صحیح اقتصادی وضعیت آلمان طوری شد که در مدت ۶ سال با کار و فعالیت وسائلی فراهم ساخت که شش سال با دنیا توانست جنگ کند . دولتهای ما حق ندارند سیاست خارجی را یگانه مسئولیت خود قرار دهند چون سیاست خارجی موقعی پیشرفت خواهد کرد که زندگانی

مردم سر و صورتی داشته باشد و ملتی با فرهنگ و بهداشت و با روح و بدنی سالم پشتیبان سیاست دولت بوده باشند در جهان ملل از دو دسته تشکیل شده اند یکدسته دارای سیاست مثبت هستند و دسته دیگر صاحب سیاست منفی سیاست مثبت یعنی تحت تأثیر آوردن سایر ملل جهان بنحوی از انحاء برای بدست آوردن منافع و مزایای ملی و مداخله در امور جهان و حفظ و حراست آن این سیاست فقط از آن دول بزرگ جهانست سیاست منفی یعنی نگاهداشتن خود، محافظت منافع ملی خود از دست ندادن آزادی و حقوق ملی، دفاع خود در مقابل تهاجم و تجاوز مللی که سیاست مثبت دارند یعنی یک سیاست کاملاً ملی، این نوع سیاست مختص ملل کوچک جهان میباشد که کشورها نیز یکی از آن ملل است و اما تکلیف بین المللی یک چنین مملکتی خیلی آسان و سیاست آن در دو جهت جریان پیدا مینماید ۱ - نگاه به مجامع عمومی ملل جهان ۲ - ایجاد قدرت داخلی همه میدانیم که اعتبار عضو هر جامعه و دسته ای منوط و مربوط به قدرت توانائی فهم و لیاق ادب یعنی یک مجمع بین المللی نیز از این قانون مستثنی نبوده و اعتبار اعضای آن منوط به تمدن تاریخ قوی ملی و نژادی قدرت نظامی و فرهنگی آن ملت است پس ملل کوچک یعنی ملل صاحبان سیاست منفی هر چه عالمتر تمدن تر لایق تر و مندرتر باشند اعتبار بیشتری در مجامع بین المللی بدست خواهند آورد بنابراین دو راه سیاست نامبرده یکی استفاده از مجامع بین المللی جهان و دیگری ایجاد قدرت داخلی در نتیجه اصلاحات عمومی کشور منوط و مربوط به یکدیگر میباشد یعنی هر چه قدرت داخلی از هر جهت بزرگتر و کاملتر باشد همانقدر استفاده از سازمانهای بین المللی برای حفظ و حراست سیاست ملی بزرگتر خواهد گردید ملل کوچک جهان مانند سویس بدین قدرت اجتماعی پی برده اند و از این روست که توانسته اند سیاست ملی خویش را در نتیجه اصلاحات داخلی حفظ نمایند متأسفانه در کشور ما هنوز باین مسئله مهم آنطوریکه باید توجه نگردیده و تمام هم و فکر و اقدامات دولتهای وقت صرف مسائل سیاسی خارجی گردیده و برای نگاهداری حکومت چند روزه خود ملت و مملکت را در معرض سیاست خارجی میسازند در صورتیکه امروز ما را قوت دفاعی نظامی خویش در مقابل همسایگان قوی و نیرومند نیست و فقدان جمعیت و نداشتن وسائل همیشه قدرت نظامی ما را ناچیز نگاه خواهد داشت و بدین ترتیب یعنی اگر اصلاحات داخلی کشور شروع نشود هیچوقت و هیچ موقع زمینه ای برای ایجاد قدرت داخلی بدست نخواهد آمد دولتها خود را بظلم مشغول سیاست خارجی نموده و میندازند که استمداد ولیاقت بزرگی در میدان سیاست بکار میریزند در صورتیکه مللی که صاحب سیاست منفی هستند هیچگونه تأثیر مهمی در وضعیت جهان ایجاد نموده و همیشه در تغییرات جهانی اجباراً دستخوش سیاستهای ملل صاحب سیاست مثبت خواهند بود اینها نه جنگ را تعیین میکنند و نه صلح را تأمین هر چند که اکثر جنگهای بزرگ جهانی بیشتر از ممالک صاحب سیاست منفی شروع و آغاز گردیده است و لکن اگر بتاریخ مراجعه شود دیده خواهد شد که میل و تمسود ملل صاحب سیاست مثبت در آن بوده است که جنگها شروع کردند منتهی

کانون آن آزمائش کوچک شروع و آغاز شده است و تقصیر ملل کوچک در شروع جنگ فقط ضعیف بودن آنهاست چون آنها ضعیف هستند ممالک مقتدر در صدد استفاده از آنها برمیآیند و میخواهند امثال خود را بازور و جبر بدانها تحمیل کنند وقتی میبینند که از راه مسالمت آمیز منافع خود را نمیتوانند بدست آورند دست بتجاوز میریزند که در دو وهله منجر به جنگهای بزرگ جهانی گردیده است و اما که یکملت صاحب سیاست منفی هستی برای اینکه بتوانیم عضو لایق و معتبری از جامعه بین المللی جهانی بوده باشیم تا اینکه قادر بااهل سیاست منفی و بیطرفی خود گردیم در درجه اول احتیاج با اصلاحات داخلی و ایجاد زندگانی شرافتمندانه و پر آبرویی که با فرهنگ و بهداشت توأم بوده باشد حس مینمایم پس آغاز اصلاحات داخلی آغاز موفقیت در سیاست خارجی نیز خواهد بود و دولتها باید این بهانه را کنار بگذارند و با نقشه صحیحی اصلاحات کشور را شروع نمایند و برای اینکار همانطوریکه گفته شد نقشه اقتصادی لازم است و خوشبختانه یکمده از متخصصین ایران نقشه ای برای هفت سال تنظیم نموده اند و بطوریکه اطلاع حاصل شده است هیئت برنامه مجل اجرای برنامه هفت ساله را از منابع داخلی تعیین و تأمین نموده اند و پیش بینی شده است که تا دو سال از تاریخ اجرای برنامه باستقراض از خارج مملکت مبادرت نگردد و چنانچه در طی دو سال اول اجرای برنامه مشاهده گردید که سازمانهای مخصوص اینکار بوظایف خود عمل نموده اند و عایداتی از این برنامه تولیدی ایجاد گردیده است با تصویب مجلس شورای ملی اقدام باستقراض نمایند اما اجرای برنامه هفت ساله را از دولت جناب آقای حکیمی خواستاریم (صحیح است) یکی از کارهای بزرگ تولیدی موضوع استخراج معادن کشور است که ملت ایران باید از این ثروت بزرگ ملی خود استفاده نماید. آقای عباس مسعودی در اینجا پیشنهادی را جع باستخراج نفت کردند من نیز عقیده مندم که قانونی تصویب شود که هر ایرانی که دویشت او ایرانی اصل بوده باشد حق دارد در هر نقطه از ایران که بخواهد استخراج نفت بپردازد و صدی پنجاه از عایدات خود را بدولت بدهد. آقایان، همانطوریکه اینجا گفته شد استخراج نفت سرمایه بزرگی لازم ندارد نفت سیاه تصفیه نشده را میتوان از نواحی جنوب ایران بوسیله لوله بکنار خلیج فارس منتقل و در معرض فروش قرار داد برای اینکه اهمیت این موضوع روشن شود شرکت نفت جنوب را مثال میآورم این شرکت سالیانه بیست میلیون تن نفت استخراج مینماید یعنی اگر هر کیلو نفت را یک ریال بفروشد بیست میلیارد ریال فروش نفت خواهد داشت و از این مبلغ بهره ناچیزی بملت ایران میدهد در اینجا لازم است که در جواب آقای رحیبیان گفته شود که ماده واحده مصوبه مهمرام ۲۶ دولت را موظف نموده است که برای بدست آوردن منافع ایران اقدام نماید و از دولت جناب آقای حکیمی تقاضا داریم که باین موضوع اهمیت دانه و اقدام نمایند. موضوع دیگری که باید مورد توجه دولت قرار بگیرد و اقدام فوری بشماید موضوع رود هیرمند سیستان است آقایان مردم بیچاره سیستان از بی آبی میسوزند چندین بار از طرف

رئیس - آقای فولادوند

فولادوند - قبل از اینکه باصل مطلب بپردازم برای اینکه همکاران محترم تصور نفرمایند که مخالفت من با کابینه آقای حکیمی روی نظریات خصوصی است یا از لحاظ موافقت با کابینه قبلی است این است که عرض میکنم من باب مقدمه آقایان نمایندگان دوره ۱۵ مجلس شورای ملی ممکن است عده تصور کنید شما کرسی نشینان این مجلس فقط مسئولین دوره پارلمانی که ۹ ماه آن گذشته و ۱۸ ماه دیگر باقی است میباشد بنده نه فقط بنام یک نفر وکیل مجلس و نماینده یک شهرستان بلکه بنام یک نفر ایرانی یک فردی که باین آب و خاک و این ملت علاقمند است صمیمانه بهمکاران عزیز عرض میکنم که شما تنها مسئول حوادث و اتفاقات دوره ۱۵ نیستید قاعده کلی تسلسل حوادث شما را مسئول اتفاقات آینده و بعد از دوره ۱۵ نیز می دانند (صحیح است) اگر تا حال مجلس های ما، دولتهای ما، رجال سیاسی ما نسبت مسائل سیاسی و اقتصادی و بالنتیجه بسرنوشت این ملت یک سیاست روزمره داشتند و کمتر بفکر فردا بودند تصدیق فرمائید غلط بود و شاید وضع ناگوار فعلی ما معلول همان سیاست غلط روزمره باشد و چون از نظر آشتنگی اوضاع مایل باطاله سخن نیستیم و از طرفی یقین دارم همه آقایان بغیر از بنده متوجه هستند از ذکر نظریات روزمره خودداری کرده یک تذکر مختصر قناعت نموده تکرار میکنم آقایان شما که مسئول سرنوشت آینده کشور میباشد آیا درباره دولت فعلی دقت لازم فرموده اید یا خیر؟ اقوام و ملل دارای تاریخ مدون میباشد ولی اگر دقت بشود اغلب از قرون تکرار تاریخ است، اما گاهی سر فصلهایی در تاریخ ملل پیدا میشود که

تأثیر حسیب در سرنوشت آن ملت خواهد داشت. وقتی دقت کنیم می بینیم تاریخ این ملت باستانی براتب بیشتر از ملل دنیا در فصل دارد و یقین دارم آقایان محترم تصدیق فرمائید که مسئولیت مردمی که مفاصل با تحویل تاریخ هستند براتب سنگین تر از مسئولیت منتهائی است که در اعمار صلح و آرامش بسر برده اند قرن ۱۹ میلادی تا قرن ۱۴ هجری یکی از قرون پر از حوادث دنیا است که از نظر استحضار همه آقایان ذکر حوادث عمومی و تحولات سیاسی کشور ایران ضرورتی ندارد، جنگ بین المللی اول اعطای سختی بکشور ما زد قشون دول متعارب هر یک قسمتی از این مملکت را مورد تاخت و تاز قرار دادند و باره ای از نواحی این کشور میدان جنگ قرار گرفت، مزارع از بین رفت و آوارگی زارهن، این احتیاج قشون مهاجم با ذوقه منتهی بقصعی شد، قشون خطرناک، قشعی که هزاران نفر افراد این مملکت را دچار مرگ سیه و گرسنگی نمود پس از خاتمه جنگ بلافاصله مرض معروف شمشه که سوقات جنگ و نتیجه گرسنگی مردم بود قبرستان های جدید تشکیل داد بنحوی که مطلعین اظهار اطلاع میکنند تنها در تهران در حدود هشتاد هزار نفر از گرسنگی و مرض شمشه جان سیرند، جنگ بین المللی دوم شروع شد مادر کمال بیطرفی بودیم متأسفانه صبح سوم شهریور ۱۳۲۰ بدون اطلاع قبلی کشور ما از هر طرف مورد هجوم بیگانگان قرار گرفت (صحیح است) در تمام مدت جنگ سختی و ناامیلات را تحمل کردیم، ایران یل پیروزی گردید و ورود قشونهای دول جنگجو در کشور بیطرف ما باز موجب قشعی و بیداری امرای عمومی مانند تیغوس و غیره شد و باز هزارها نفر از افراد این کشور دچار مرگ سیه گردید در تابستان سال ۱۳۲۴ جنگ خانمانسوز خانه یافت، لازم بود که پس از جنگ ما دولت لایق و توانائی داشته باشیم که نه تنها بقوریت تقاضای تخریب ایران را مینمود بلکه قدرت آن را میداشت که حداقل خسارات جنگ را از دول فاتحی که تصدیق کرده بودند کشور ایران یل پیروزی شد میگرفتند (کشاورز صدر - تقاضای تخریب را جناب آقای حکیمی فرمودند) میرسیم بعلل و جهاتی که البته بر بنده معلوم نیست مجلس ۱۴ در حساس ترین موقع در همان ایامی که مبیاست ملت ایران حدا کثر استفاده را بنماید جناب آقای حکیم الملک را مأمور تشکیل کابینه نمود و بیان تفصیلی وقایع و عمر کابینه ایشان فعلاً ضرورتی ندارد ولی متأسفانه دو دوره ۱۵ گذشته عبرت نگرفته و در موقعی که افق سیاست بین المللی دنیا بسی تاریک و هول انگیز است و وضع داخلی بی اندازه درهم و مشوش میباشد باز انتظار دارند جناب آقای حکیمی این دردها را دوا کند من خداوند را شاهد میکنم که در هریض خود جز علفه مندی بکشور و این ملت بدبخت و بیچاره نظری ندارم و بجناب آقای حکیمی که از رجال قدیمی و وطن پرستان مملکت میباشد کمال ارادت را دارم و مخصوصاً از اینکه چند نفر از وزراء جناب آقای حکیمی مانند تبسار یزدان پناه و جناب آقای نجم و جناب آقای منصور السلطنه و آقایان دیگر از مردمان مشهور

بنقوی و پاکدامنی میباشد ولی وضع عمومی دنیا و اوضاع آشفته کشور بقدری متنشج است که باید مطالعه بیشتری نمود همه می دانیم سکه سوابق و گذشته هر فردی بهترین معرفت او است جناب آقای حکیمی هم که از چهل سال قبل در چند کابینه وزیر بوده اند و در دوره ۱۴ هم دو مرتبه نخست وزیر شده اند در هیچیک از این ایامی که بکارهای سیاسی اشتغال ورزیده اند یک قدم اساسی برنداشته و یک عمل مثبت و برجسته و قابل ذکری انجام نداده اند (بعضی از نمایندگان - اینطور نیست) و نخست وزیران هر عصری وقتی میخواهند وزیری در وزارتخانه بگذارند که فقط پستی را اشغال کرده باشد و در عین حال بدنام نبوده و مضر نباشد آقای حکیمی را بآن پست منصوب مینمودند ولی آقایان عزیز از خود شما میرسم آیا تنها آدم خوب بودن کافی است که در این موقع خطیر ما زمام کشور را بدست او بسپاریم؟ اما موضوع مراجعه جناب آقای حکیمی بشورای امنیت تصور میکنم این موضوع احتیاج زیاد به بحث و گفتگو نداشته باشد زیرا با در نظر گرفتن اوضاع و احوال روز و اینکه ارتش شوری از انجام ماده فلان قرار داد خودداری نموده و کشور را تخریب نکرده بود هر دولتی که سرکار بود مکلف بود که بشورای امنیت مراجعه بکند. (کشاورز صدر - نه آقا بعد پس گرفتند) (آشتیانی زاده هج) (محمد علی مسعودی - آقای تقی زاده که اینجا تشریف دارند) (ماهم معتقدیم که آقای حکیمی مردی با تقوی و وطن پرست میباشد و هیچکس نسبت خیانت بکشور را باشان نمیدهد و اگر خدای نکرده اقدام بشکایت نمیکردند صلا هم اقدام ایشان خیانت واضح و آشکار بکشور بود و البته احتیاج به بحث نیست که همیشه عمل مثبت خیانت محسوب نمیکرد بلکه عدم اقدام هرامری که لازم است نیز تخیانت تلقی میشود وقتی در قانون دیوان کیفر تصریح دارد که اگر مستخدمی برای انجام امری و یا امتناع از انجام امری که وظیفه او است وجهی امانی گرفته باشد مقصر است مقصود اینست که عدم مراجعه خیانت بود و این انجام وظیفه از طرف جناب آقای حکیمی را طرفداران ایشان شاهکار ولیاقت و قدرت و توانائی ایشان میدانند نه تنها شاهکار نیست بلکه انجام وظیفه بوده وقتی از این موضوع بگذریم و دفتر چهل ساله زندگانی سیاسی جناب آقای حکیمی را ورق بزیم حتی طرفداران ایشان نمی توانند یک عمل برجسته و یک فعالیت قابل ذکر از ایشان نشان دهند و اگر سراغ دارند این بفرمائید تا بنده هم تسلیم شوم یقین دارم وقتی که همکاران محترم اسم بنده را در تابلو مخالفین دولت دیدند بعضی از آنها تصور کردند که بنده میخواهم بعنوان مخالفت با کابینه فعلی از کابینه گذشته دفاعی کرده باشم عرض میکنم که وضع مملکت طوری نیست که ما بخواهیم در این ایام تیره و تاریک تصفیه حساب بپردازیم و یا از اوضاع گذشته دفاع کنیم خیر آینده در جلو ماست ما باید بفکر آینده باشیم این نکته را نیز عرض میکنم که کرا ا دیده شده است در موقع مخالفت با برنامه دولت از اهمل دولتهای قبل انتقاد میکنند از وضعی که در روز طرح برنامه در کشور حکمفرما است بحث مینمایند تصور میکنم این رویه صحیح نبوده و نسبت زرا دولتی که امروز میخواهد

سرکار باشد قهری است که مسئولیت اهمل دولتهای قبل متوجه او نیست (صحیح است) و از همین نظر شایسته نیست که همان گذشته گنجان را بحساب جناب آقای حکیم الملک بیاوریم ولی مطلبی که کاملاً اساسی است ایست که وضع کشور تشریح شود و آنوقت مطالعه و دقت بعمل آید و معلوم گردد که با اوضاع و احوال فعلی دولتی که سرکار میآید قادر خواهد بود که قدمی بردارد و عمل مثبتی انجام دهد؟ دولتهای مادر موقع تشکیل هر کابینه دو موضوع اساسی در پیش دارند یکی سیاست خارجی و دیگری سیاست داخلی و برنامه ها هم معمولاً روی همین دو موضوع تنظیم میشود اما سیاست داخلی کشور، مخالفین آقای قوام - السلطنه میگویند که آقای قوامی در حل مسائل خارجی همیشه توانا و قادر بوده ولی هیچوقت در هیچ کابینه سیاست داخلی کشور توجه نداشتند و بلعکه اوضاع داخلی را از چهار میلیارد و کسری بهشت میلیارد از تاریخ ۱۳۲۴ تا کنون مهمترین نقطه ضعف و باصل قابل انتقاد آقای قوام معرفی میکنند (مهندس رضوی صحیح است) قوام السلطنه هم میگفت که سیاست خارجی کشور طوری بود که من ناچار بودم بیکاران را مشغول کرده و بالا بردن بودجه کشور نیز از این نقطه نظر بوده است بنده مذاق آقای قوام السلطنه نیستم و این نکته را ناچار عرض کنم که مهمترین نقطه ضعفی که برای قوام السلطنه شمرده میشد بالا رفتن بودجه کشور بود و چون بودجه سنگینی لازم بود مقداری بر بهای اجناس انحصاری افزوده شد و بالنتیجه سطح زندگی بجای اینکه بعد از جنگ پایین بیاید بالا رفت (بعضی از نمایندگان - هزینه زندگی) حالا هم مردم انتظار دارند که این سطح سرسام آور زندگی پایین بیاید و هر کس هر چه میخواهد بگوید من سر بیچاره عرض میکنم که ۷۵ درصد مسئولیت بالا رفتن سطح زندگی (نمایندگان - آقا هزینه زندگی) متوجه دولت نمیشود قسمت مهم از اجناس مورد احتیاج مردم در انحصار دولت هست، هزینه دولت روز بروز در تراز بود و وضعیت دولتها و اختلاط مسئولیتها موجب شد که دولتها نتوانند مالیات قانونی را وصول کنند و از طرفی قوای انتظامی مملکت و تشکیلات کشوری یول لاز داشت ناچار بر انحصارهای افزودند و سطح زندگی را بالا میبردند دولت گذشته باین نحو از کار برکنار شد حالا جناب آقای حکیمی آن توانائی و قدرت را دارند که چند قلم دولت از انحصار ما را کساسته و سطح زندگی را پایین بیاورند؟ (نمایندگان - آقا هزینه زندگی را) آیا ایشان و حتی پاره ای از وزرای نیکام ایشان که با کوچکترین پیش آمد ممکن است متأثر شوند قادر هستند که عده زیادی از این گروه انبوه را که بر سر سفره دولت یا خزانة عمومی نشسته اند برکنار کنند؟ هرگز. کابینه جناب آقای حکیمی مشغول کار میشوند ۱۵ روز در اطراف برنامه ایشان بحث میکنیم و اگر رأی اعتماد بگیرند چند ماهی که مدار و مرز رفتار میکنند و با یک پیش آمد مختصر اکثریت متزلزل و نیم بنده اقلیت تبدیل شده و دولت ایشان سقوط میکنند. دولت دیگر سر کار میاید و باز همین آش و همین کاسه، بلی همین دولتها تغییر میکنند و دولتها عوض میشوند ولی چیزی که عوض نمیشود

برنامه مشتمع دولت‌ها است و باز هم موضوعی که هیچ تغییر نمیکنند وضع آشفته مردم این کشور است و اگر هم تغییر کند روز بروز بدتر و تأثر آورتر میشود خیلی متأسفم عرض کنم که یارهای از همکاران من بمعبط خارج از تهران کمتر آشنا هستند ، بنده در سه شهرستان کشور که شاهد بودم - اراک و بروجرد باشد سروکار با مردم داشتم و درباره از شهرستان ها نیز مأمور قضائی بودم آقایان بنده قریب دوسال در کرمان انجام وظیفه کردم میدانم مردم در چه وضعیتی هستند (صحیح است) میدانم نه تنها در کرمان و زابل و خراسان و بلوچستان حتی در همین تهران خانواده هائی هستند که ماهها میکنند و رنگ گوشه را نمیتوانند (صحیح است) بغدا انصاف نیست که مردم در چنین وضعی باشند و ما که علاوه از قانونگذاری وظیفه نظارت در اعمال دولت را داریم نباید در مقام اثبات قدرت دستجات فرا کسبونهای پارلمانی بر آمده و بغواهییم تقوی و برتری خود را در پیش بردن کاندیدای خود ثابت نماییم . برنامه آقای حکیمی شامل هیچ طرح و پیشنهاد عملی برای بهبود وضع مردم نیست یکی از دوستان نزدیک بنده از قول جناب آقای نجم وزیر دارائی فلی نقل کرد وقتیکه ایشان وزیر مختار ویا سفیر کبیر ایران در آلمان بودند و علیا حضرت ملکه ایران به برلن تشریف فرما میشدند جناب آقای سفیر کبیر در نظر گرفتند برای تجلیل و احترام علیا حضرت ملکه ایران هدای از ایران بآلمان مقیم برلن را با استقبال ملکه بیرند و میخواستند اتومبیل هائی که حامل مستخدمین است آورند باشد و از این نظر شرحی بوزارت خارجه آلمان نوشتند و تقاضا کردند که ده دستگاه اتومبیل از اتومبیل های وزارت خارجه در اختیار سفارت ایران در برلن گذاشته شود متأسفم که عرض کنم وزارت خارجه آلمان جواب داد که این وزارتخانه بیش از دو دستگاه اتومبیل که یکی برای وزیر و یکی هم برای معاون است ندارد و ناچار اتومبیل معاون وزارت خارجه را برای آن سفارت فرستادیم و معاون از اتومبیل وزیر استفاده خواهند کرد جناب آقای نجم بدوست مشترك ما فرموده بودند ، وقتی این جواب بمن رسید هم فوق العاده متعجب شدم و هم شرمند گردیدم که چرا اتومبیل معاون را فرستادند . جناب آقای نجم فعلا وزیر دارائی و حافظ خزانه عمومی و نماینده مالی دولت می باشد آیا میدانید که باستانی نقلیه قشون رومی متجاوز از صد و پنجاه میلیون ریال بودجه اتومبیل های دولت را تشکیل میدهند و این پول جز پولی است که برای خرید آخرین سیستم اتومبیلها از قبیل بیوک و کادیلاک و فلان و فلان داده شده (صحیح است) (سزوار - کمر شکن است آقا) (کجبه ای اینها را کی خریدم آقا ؟) (آشتیانی زاده - حالا شما درست کنید او خریدم است شما درست کنید) اجازه بدهید جناب آقای نجم وزارت خارجه آلمان یعنی وزارت خارجه کشوری که کارخانه ذوب آهن و اتومبیل سازی داشت فقط دارای دو دستگاه اتومبیل بود ولی تنها سفارت کبیرای شما در لندن دارای سه دستگاه اتومبیل است یکی مخصوص جناب آقای سفیر یکی هم مخصوص خانم ایشان و یکی هم بدسکی بود که اگر بدسکی از آن دو اتومبیل

احتیاج به تمع پیدا کرد مورد استفاده جناب سفیر و خانمشان قرار میگرفت و هیچکس از اعضای آنجا حق نداشت حتی برای کار اداری سوار هیچیک از این ماشینها بشود جناب آقای وزیر دارائی صحیح است که شما مسئول این وضع نیستید ولی من میگویم آيا شما توانائی دارید که این قلم درشت را از بودجه حذف کنید ؟ من کلیات نمیگویم پیشنهاد عملی می گویم قطعاً امشب مذاکره در اطراف برنامه تمام نخواهد شد و یکی دو جلسه بطول می انجامد پیشنهاد بنده اینست که در ظرف این چند روز که برنامه دولت مطرح است جنابمائی که نماینده دولت هستید کار های زیر را که خیلی هم مختصر است انجام دهید تا بنده و شاید رفقای فرا کسبون دمکرات ایران هم بشما رأی بدهیم .

۱ - اتومبیل سواری را منحصر بوزیر و معاون نموده و کلیه اتومبیل های دیگر دولتی را بدون استثناء توقیف نموده و در ظرف چند روز بصورت مزایده بفروش رسانیده و از وجوه حاصله از فروش اتومبیلها يك یا دو کارخانه قند در کشور تأسیس شده و هم از واردات کشور کاسته گردیده (صحیح است) وهم کشاورزی رونقی گرفته و هم عده ای بیکار مشغول کار شوند و بلاوه صد و پنجاه میلیون از رقم خرج بودجه حذف گردد .

۲ - همین فردا صبح قیمت سیگار - نان - قماش و قند و شکر را پائین آورده تا سطح زندگی تنزل نماید (صحیح است آقا هزینه زندگی) نامستخدمین از سختی معیشت نمانند ، تا کارمندان ناصالح کمی حقوق را بپایانه نکرده و بغارت مردم مشغول نشده و مستخدمین صالح از تنگدستی و پزیشانی مبادرت بابتکار نکنند (صحیح است) جناب آقای حکیمی دولتهای ما همیشه و مخصوصاً بعد از حوادث شهریور اضافه حقوق مستخدمین را بپایانه زیاد کردن مالیاتها و افزایش حقوق انحصاری قرار میدهند من خودم مستخدم دولت بودم و بطرز تفکر مستخدمین آشنا هستم و خوب میدانم جز هدای ناصالح و غارتگر که دادن اضافه حقوق هم تأثیری در رفتار آنان ندارد و بقیه نان بخور و نمیری پیش نمیخواهند (صحیح است) و ده دزدی مستخدمین جزم هم برای امرار معاش و رفع احتیاجات ضروری است (صحیح است) وقتی که از کفن مادر بیه فلان پاسبان و مأمور احضار علاوه بر حقوق گمرکی و مالیات راه و اطفاي آتش طمع ورزی محتکرین بازار دولت تنها تری ۲ ریال حقوق انحصاری میگردد شما از پاسبانها بیکه ماهی يك هزار ریال دارند و از عضو دفتری که ماهی یکهزار و پانصد ریال حقوق میگیرد چه انتظاری دارید شما سطح زندگی را پائین بیاورید مستخدمین اضافه حقوق و رتبه های غیر قانونی نبغوانند و شما قول میدهم اگر از حق انحصارها کاسته ، در قیمت سیگار و نان و قند و شکر تنزل دادید مستخدمین حاضرند حتی يك نعل و بیکه بیشتر از حقوق قبلی آنها هم بگهند . جناب آقای حکیمی دولتی میتواند دست با اقدامات اساسی بزند که متکی با کثرت قوی

بزنجان وارد شد تلگرافی به تیسار سرتیب هاشمی مغایره کردم و اظهار مسرت نمودم که از قایل ما در راه نجات آذربایجان شرکت دارد و بخود او تلگراف کردم که بایستی عملاً وطن پرستی خود و قایل را نشان دهی ، با این حال چگونه میشود تصور کرد بنده و یا رفقای بنده در نامزد کردن آقا دکتر مصدق رعایت مصلحت کشور را ننمودیم ، ما فرزندان این آب و خاک هستیم و بمصالح این کشور علاقه مند میباشیم ، ما دکتر مصدق را توانا تر ، شایسته تر از آقای حکیم الملک تشخیص دادیم اگر طرفداران آقای حکیم الملک معتقدند که ایشان توانا و قادر بر رفع مشکلات میباشند این گروان میدان و از فردا شروع بکار کنند و دو فقره از صد ها کار اساسی که انجام هر یک برای این کشور ضرورت دارد و بنده پیشنهاد کردم تا قبل از رای اعتماد عملی کنند تا ما هم با ایشان رای بدهیم ما با ایشان حساب شخصی نداریم يك موضوع را بیان میکنم و آن بالا بردن سطح علمی و رعایت بهداشت عمومی و پائین آوردن سطح زندگی (یکی از نمایندگان - هزینه زندگی) آقای حکیم الملک دست باین کارها بزنند ما نه تنها با ایشان موافقت خواهیم کرد بلکه جزو طرفداران جدی ایشان خواهیم شد ، جناب آقای حکیمی در موقع معرفی کابینه چهارست وزارت را خالی گذاشته اند باین معنی وزیر کشاورزی و وزیر خارجه را آنهم در این موقع که پست وزارت خارجه کمال اهمیت را دارد معرفی نفرمودند ، جناب آقای متمدنی را که در خارج از کشور بسر میبرند و معلوم نیست که بیایند بوزارت راه معرفی کرده اند وزیر کار را نیز معرفی نفرموده اند (جمعی از نمایندگان - بهتر آقا) جای تأسف است که جناب آقای حکیمی با ضعف مزاج و ناتوانی جسمی علاوه از قبول مسئولیت سنگین پست ریاست و وزرائی مسؤلیت ۴ پست وزارت که از جمله آنها وزارت خارجه است عهده دار شده اند و حقاً جای تعجب است و یقین دارم صمیمی ترین افراد نسبت بایشان تصدیق نمیکند که جناب آقای حکیمی علاوه از کار سنگین خودشان میتوانند پست های دیگر را شاغل بشوند ، اما سیاست خارجی ، اساس نظر بنده در مقدمه که برض رساندم مربوط سیاست خارجی کشور است این مطلب بشیار اساسی و مهم است و شاید مصلحت کشور اجازه ندهد که فستهای حساس آن در مجلس هوسوی مورد بحث قرار گیرد ولی من با در نظر گرفتن تمام اطراف و جوانب کار و صلاح کشور مختصراً عرض میکنم ، راست است که در يك کشور مستقل هیچ وقت نباید مجلس ها در ابراز تمایل و کاندید نخست وزیری و یا رای اعتماد نظر مثبت یا منفی دولت های خارجی را رعایت کنند (صحیح است) (محمدعلی مسعودی - ابدأ نباید بکنند) و اگر خدای نکرده این اصل جاری شد ممکن است به استقلال کشور لطمه بزند (محمدعلی مسعودی - کردند و زد) ولی يك نکته اساسی را نباید هیچ

وقت فراموش کرد و آن این است که همانطور که نباید نظر دول خارجی را ملحوظ داشت نباید هم آنها را تحریک بمغالفت و دشمنی نمود ، حوادثی که بعد از جنگ دوم در دنیا رخ داد و عدم توفیقای بی دردی کنفرانس ها و کسببون های بین المللی و مخصوصاً عدم توفیق انجمن اخیر وزرای خارجه افق سیاست بین المللی را تیره و تار نمود و رجال سیاسی و نظامی دنیا هر روز از جنگ آینده و بسبب اتنی صحبت میکنند ، دول بزرگ دنیا مشغول دسته بندیهای سیاسی و نظامی میباشند ، در اروپا مرکز تمدن دنیا بلوک شرقی و غربی درست کرده اند در همسایگی ما در دولت مورد نظر خاص سیاستمداران دنیا قرار گرفته اند ، دولت ترکیه و یونان ، وضع تأثر آور ملت بدبخت یونان که از يك طرف تحت تأثیر قشون اشغال کننده و اسلحه و پولی که باو میدهند قرار گرفته و از طرف دیگر بمقیده دولت امریکا همسایگان شمالی و غربی بایول و چریک خود دولت دیگری در شمال یونان تشکیل داده اند ، از هر حیث قابل توجه و دقیق است ، عقلای قوم و معلمین به سیاست بین المللی که سر و کاری بتاریخ هم دارند در این ایام بفکر فرو رفته و میگویند در این دنیا بیگانه تکیلیف ما چیست ، اگر ما بجای ملت مجار ، رومانی و یا بلژیک و هلند بودیم شاید میتوانستیم زود اتغاض تصمیم بکنیم و در یکی از این دو بلوک وارد شویم ولی وضع جغرافیائی کشور ما طوری است که از يك طرف ما را دوچار اشکالی میکند از يك طرف قریب ۱۶۰۰ کیلو متر با دولت اتحاد جماهیر شوروی مجاوریم از يك طرف با ترکیه و بین النهرین همسایه ایم موقعیت کانال سوئز معدن نفت جنوب یا بلای خانمانسوزی که در قسمت مهم از این کشور واقع شده و بالتیجه موقعیت جغرافیائی کشور ایران طوری است که راستی مصلحت ما نیست که در هیچیک از دو دسته بندی بزرگ دنیا وارد شویم (صحیح است) زیرا ورود در هر يك از این دو بلوک مضار و سعاسنی دارد که واقعاً نمیتوان آن را تشخیص داد که ورود بکدام يك برای ما مقرون بصرفه است (صحیح است) ما باید بی طرف باشیم (صحیح است) البته بی طرفی واقعی ، بی طرفی که راستی هیچیک از دو بلوک خیال نکنند که ما محرمانه با دسته دیگر مربوط هستیم دنیا امروز بادنسی چند قرن قبل کلاماً متفاوت است وقتی که فاصله زمانی مسافرت با امریکا ۳۰ ساعت و فرانسه ۱۰ ساعت و روسیه ۱۰ ساعت شد دیگر ما نمی توانیم بسائل بین المللی بنظر سطحی نگاه کنیم این است همان موضوعی که در مقدمه عرض خود عرض کردم که از نظر تسلسل حوادث نمایندگان دوره ۱۰ مشغول آینده کشور میباشند ، همین ففتک و مسامحه کاری یا اعمال حس لجباج ممکن است ما را بپرتگاه مضوف سوق دهد و برعکس کمی دقت و احتیاط و از خود گذشتگی و کنار گذاشتن منتهیها ممکن است ما را از این گرداب

مضوف هوسوی دنیا نجات داده و این ملت بتواند بسیر تاریخ خود داده ، دهم در هر کشوری رجال متمدن وجود دارد و هر يك از این رجال دارای عقاید سیاسی خاصی هستند البته نمی توانند عقاید خود را تغییر دهند ولی مجلس ها باید متوجه باشند که در چه موقع کدامیک از این رجال را سرکار بیآورند در سال ۱۳۱۳ موقی که ایتالیا با حبشه مشغول جنگ بود و شروع با اجرای مجازات های اقتصادی در باره ایتالیا شد يك مرتبه رادیوی لندن خبر داد مستر ایندین وزیر خارجه از پست خود استعفا داده است معلمین سیاست روزمه گفتند که از فردا دیگر نسبت با ایتالیا مجازات اقتصادی اجرایی گردد زیرا همه میدانستند که مستر ایندین طرفدار جدی این فکراست و وقتی خواستند مجازات اقتصادی را اجرا نکنند مستر ایندین استعفا داد ولی آیا این همان سیاست مدار معروف انگلستان که سه روز قبل با ایران وارد شد از جرکه رجال سیاسی خارج گردید خیر ، روی او معلوم است هر وقت سیاست دولت انگلستان مقتضی شده که از استفاده کتد اورا روی کار میآورد يك روز لازم بود که جناب آقای حکیمی کابینه تشکیل داده و بشورای امنیت مراجعه کند ولی امروز خود ما وحی خود جناب آقای حکیم الملک باید تشخیص بدهیم که مقتضی است یکی از رجال سیاسی دیگر ، دولت را تشکیل بدهد همسایه شمالی هم مانند همسایه جنوبی و مانند سایر دول خارجی حق ندارد در امور کشور مداخله کند (صحیح است) و البته اگر هم بخواهد مداخله نماید ما نباید بار اجازه مداخله بدهیم (صحیح است) (حسنت) ولی همانطور که قبلاً عرض کردم ما هم باید هر يك از رجال سیاسی خود را در موقعی که لازم است سرکار بیآوریم و بقیه بنده امر ، جناب آقای دکتر مصدق هم از نظر توانائی در اصلاحات داخلی و هم از اهلام بی طرفی کامل سالختر برای تشکیل دولت است ، بنده در همین این که هیچ وقت مایل نیستم اعمالی انجام دهم که حمل بر تظاهر گردد ولی در عین حال سمت نمایندگی و وظیفه را که عهده دار شده و در همین مجلس بکتاب مقدس آسمانی قرآن مجید سوگند خورده ام خود را ملزم میدانم آنچه را که مصلحت کشور ایجاب میکند بگویم بنابر این از نظر انجام وظیفه مختصری عرض کرده و شما همکاران محترم را به مسئولیت آینده متوجه نموده و امیدوارم بیانات صادقانه بنده چه در پیشگاه مجلس شورای ملی و چه در نظر هیئت دولت اثر مطلوب را بخشیده و کشور بدست مردی توانا تر و قادر تر که محیط سیاسی دنیا هم اجازه بدهد سیرده شود تا چند قدم اساسی برای این مرد برداشته شده و مشکلی بر مشکلات اضافه نکرد (صحیح است)

محمدعلی مسعودی - ختم جلسه .

سزوار - پیشنهاد تغییر جلسات را مطرح کنید .

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده از طرف آقای کفائی آقای کفائی پیشنهادتان را توضیح بدهید .

کفائی - عرض کنم چون خیلی از وقت گذشته و از فرار منوم جناب آقای تقی زاده بعد از آقای لولادوند صحبت میفرمایند تصور نمیکنم که وقت کافی باشد

همین اسفندیاری - بهتر است که جلسه آینده باشد و بهتر استفاده شود.

کشاورز صدر - بنده مخالفم.

رئیس - آقای دکتر معظمی.

دکتر معظمی - در اینموقع مشکل مجلس شورای ملی یکوظیفه دارد که بایستی زودتر تکلیف دولت را معلوم کند، در اینجاست سه روز جلسه تشکیل میشود ساعت ۶ زنک میزنند دو نفر یا سه نفر صحبت میکنند بعد جلسه را ختم میکنند و میرویم اگر ساعت دیر است عصرها باید زودتر جلسه تشکیل شود و یا اگر آقایان میل دارند فردا صبح و عصر مجلس تشکیل شود.

ابوالقاسم امینی - ما که وقت دولت را نکرهتیم دولت کار خودش را میکند.

شما حق ندارید در وسط صحبت من صحبت کنید جناباچایی موافق یا مخالف دولت فرق نمیکند دهر صورت حق ندارید در وسط صحبت من حرف بزنید بنده اصل کار را عرض میکنم مجلس فرانسه ۴۸ ساعت تمام تشکیل بود و در دو شبانه روزه قانون گذراند (صحیح است) ما اینجا در موقع بدبختی مردم آمده ایم نشسته ایم صحبت میکنیم ملت ایران از صحبت خسته شده است (صحیح است) و باید زودتر تکلیف دولت اهم از اینکه مانده ای است یا رفتنی معلوم شود.

کشاورز صدر - بنده مخالفم با پیشنهاد ختم جلسه.

رئیس - آقای کفائی رای بگیریم بایس میگیرید.

امینی - رای بگیرد.

رئیس - آقایانیکه موافقت با این جلسه ختم شود قیام کنند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد آقای تقی زاده.

تقی زاده - میترسم آقایان خسته شده باشند و بنده هراضم با آخر مجلس می افتد ولی البته دیگر خودشان فرمودند که میخواهند حوصله بکنند و کار را بجائی برسانند. در ممالک خارجه موقعیکه کلیه صحبتها از هر قبل بتفصیل و جزئیات و در هر رشته بیان میآید و چند روزی تمام وقت مجلس ملی یعنی هر روز هفته هشت یا ده ساعت متوالی (بدون آن که جلسه بواسطه عدم حضور اکثریت بتعطل یا تنفس دچار شود) صرف آن مذاکرات می شود موقع طرح بودجه در مجلس است که مباحثات و نطقهای بسیار مبسوط و انتقاد روش و سیاست دولت در هر باب بعمل میآید بدینجهان در اینجا چند قلم مجلد و مهبه که صد در صد معانی آنها را ادوات دولتی

و شاید سی در صد آنها را اعضاء کمیسیون بوده مجلس که خوشبختی داشتن این امتیاز را دارند میدانند و میفهمند ولی حتی یک در صد آنها هم بر سایر و کلای ملت که اکثریت اعضاء مجلس است معلوم و روشن نمیشود بعنوان بودجه ملکتی در تحت ماده واحده میآید آهم یک سال بعد از موقع قانونی آن و پس از دو سه نطق مختصر قیام و نمود اکثریت مذاکرات را کافی نموده مهرخمش بر دهن سایرین میزند. (صحیح است) لکن از طرف دیگر در این مملکت مرسوم شده که مباحثات زیادی در باب نقشه عمل دولت که اسم برنامه بآن اطلاق شده بعمل میآید و این مورد را موقع نطقها و مذاکرات تفصیلی قرار داده اند اینک بندهم با استفاده از این موقع میخواهم با اجازه آقایان بعضی نکاتی را که بطارم میرسد عرض بپردازم

چنانکه سابقاً نیز عرض کرده موافقت و مخالفت اینجناب با حکومتی یا وزیریرم مربوط بشخص او و اخلاق و صفات و حتی شایستگی و قابلیت او نیست و البته بطریق اولی مربوط بدوستی و محبت یا کم اخلاصی بآنها هم ابتدا نیست بلکه نظر بنده کاملاً معطوف بعمل آنها و بخدمت آنها باصولی است که مع آنها را اصول دین سیاست خود قرار داده ام (صحیح است) بنا بر این هنوز در اینموقع که حکومت جدید شروع بکار نکرده موافقت بنده تنها از دو لحاظ است یکی پسندیدن دستوریکه برای منی خود اتخاذ نموده و بمجلس تقدیم داشته اند که من جز یکی دو نقطه ضعیف آن باقی رهاییستندم و دیگری اعتقادی که به نیکی و یا کمی نیت شخص ایشان را در امور ملکتی و ملی و سیاسی مصداق لم یشرك بالله طرفه فیهین یا فتهام لکن فعلا بدون توجه باین دو نکته موجبات اجمالی حسن ظن میخواهم عقاید خود را در باب اموریکه ضرورتی و اساسی تر میباشم عرض کنم یعنی اموریکه اگر در باب آنها حکومت قلمی اصلاحی و مستمر ولو بتدریج جلو برود من حاضر من از تقابلی ممکنه که شاید دوسایر مسائل درجه دوم دیده شود اغماض نموده و بقدر وسع خود از حکومت جدید یشیبانی سکتم ولی اگر در آن مطالب اساسی غفلت یا سستی دیده شود با وجود همه دوستی های شخصی دیرین از موافقت خودداری نمایم.

خوشبختانه بعضی مسائل که من آنها را مهمترین کارها میباشم در برنامه حکومت اجمالا درج شده معذک لازم میدانم عقیده خود را بصراحت تام و بیان روشن عرض کنم قبل از شروع بمطلب باید عرض کنم که رادیوی طهران اظهارات سابق بنده را که در ضمن دو نطق قدری مبسوط خدمت آقایان محترم عرض کردم منفی خوانده و در هر بار یک جمله فلانی نیز نطقی در امور منفی کرد بیانات مرا خلاصه نمود اقسوس دارم که اداره رادیو عاده توجهی برای رساندن مذاکرات و بیانات و کلای ملت و مخصوصاً مخالفین حکومت باین طرفها ننموده و آنها را که حقاً باید مانند اظهارات خود حکومت و موافقین او بسج عامه ملت برسد

و تدارک اثاثیه نیو پورکی و یازرسی که آقایان باصطلاح «تربیت شده» ما آنها را بزبان مسکن خارجی خودشان مدرن و کومفورت مینامند و یا برای خاطر کار دادن به نصف نفوس اهل طهران و خویشان و بستگان آنها پول مردم بدبخت گدای مفلس مریض بندر عباسی و جماعت حلیل از چشم شوستر و مجمره و مردم پریشان و بی خانمان خوی و آستار و سکنه لغت و برهنه جنوب فارس و زحمتکشان طیس و مکران و چابهار و سیستان را نباید سبیل کرد. (صحیح است) خودم در کرمان نبوده ام ولی شنیده ام و اگر مطابق حقیقت نباشد امردوارم و کلای محترم آن ایالت تصحیح فرمایند بلی شنیده ام که عده زیادی از مردم آن سامان با گیاه و علف تغذی میکنند (صحیح است) و برای بدست آوردن علف تازه پشت سر هم صف بندی میکنند و حتی جمعی دیگر خون گاو مذبوح را بجای غذا میخورند (صحیح است) وقتی که این حکایات را که اگر آقایان شکی در آن داشته باشند میتوانم باسم و رسم و نام و نشان محل شواهد آنرا بیارم شخص با احساس میشوند و کلبه های کلی بیور و کبرهای خوزستان را در نظر مجسم میسازد و از طرف دیگر در طهران یعنی در پایتخت همین بیور و کرمان و شوستر عمارت نمودی وزارت خارجه را که بتقلید البزه بالاس پاریس و قصر ایض واشنگتون بر افراشته و مزین کرده اند مشاهده مینمایم (صحیح است) بی اختیار رقت میکنند و مرتکبین این اسرافات را دور از حس و عقل سلیم انسانی مینماید. این نوع تجملات مجنونانه باصرف بیت المال قتی و لغت و گرسنه برای حفظ آبروی ایران قلنداد میشود که هر وقت یک مسافر محترم خارجی بطهران رسد در آن قصر با عظمت بر تجلد که پهلو به پهلو براج بابل اداره نظمی و اهرام فرعونی عمارت عدلیه و لایرنت وزارت مالیه سر باسماں کشیده است یک مهمانی با شکوه با پذیرائی پر تجملی برای او بدهند گه پوه و شرینی و مسکرات و آجیل بپعرض نمایش گذاشته شده کافی نیست برابر همه مهمانان و برای توانگر کردن هر ناظر خرج بی حساب باشد. این نوع پذیرائیها از خارجیان شاید قدری بآبروی ایران و نمایش آقا منشی ایرانیان فایده میداد مشروط بر این که مسافرت آن خارجیان را بولایات بدبخت و مفلوک و پر ذلت ایران قندن کرده و آنها را از دیدن مردم دور و گرسنه پریشان یابمال شده ایرانی منوع میداشتند. تقدیم غذا و سفره ساده برای مهمان خارجی ولو اینکه رئیس یک مملکت خارجی باشد ننگ نیست و بلکه باعث آبرو است ولی ننگ بزرگ برای ایران آنست که مردم بنادر ما در خلیج فارس وقتیکه به واصل غریبی دیگر خلیج مهاجرت کنند صد بار راحت تر مرفه تر و خوشبخت تر از آن بشوند که در مملکت خود بودند. (صحیح است) متواتراً میشنوم که در کویت و شارجه و دومی و رأس العقیبه و غیره هیچ یک از این تحمیلات غیر عادلانه و اجسافات مملکت ما وجود ندارد (صحیح است) و در تقسیم ارزاق و حوائج ضروری نه تبیض است و نه تحمیلات شاق و نه کوپون فزندی (صحیح است) بلکه با کمال

عادلالت این تقسیم اجرا میشود. (صحیح است) اگر این مسووعات من صحیح نیست یا مبالغه دارد ممکن است و کلای محلی بنادر و اشخاص خیر مثل آقای فرامرزی اصلاح نمایند. (صحیح است) تحمیلات بر حوائج ضروری فقراء بعدی رسیده که یک شخص داسوزی از تبریز بمن مینویسد که از هایدی یک فقیر زحمتکش و مزد روزانه او پس از وضع آنچه بدولت و عدال او میرسد چیزی متنبده برای گذران اونیمانند و اگر روزی مثلا چهار تومان عایدی دارد شاید چهارخمس آن بکسیه دولت میبرد بشنوان هوارض قند و چائی و توتون و قماش و غیره و غیره و منتهی شش فران برای او در حقیقت مینماند که قسمتی از آنرا هم لابد تجار کران فروش میبرند (صحیح است) و مینویسد که مثل دهقان و کارگر و حتی اصناف و کسبه فقیر آنچه مثل صاحبخانه و کربهای شده که آنقدر سر سفره کاهه غذایی داشته و میخواست بخورد کربهای در کنار سره میا کرد و غذا خواست مرد صاحب غذا لقمه های برای او انداخت و کربهای آنرا فوراً خورده و باز میا میا کرد و باز تکه دیگری باوداده شد و باز خورده و میا میا آغاز کرد و چون زین عمل مکرر شد صاحب غذا بتنگ آمده کانه غذا را برداشته تماماً جلوی کربه گذاشت و گفت حالا من میا و همچنان رعیت بدبخت حاضر است همه عایدی و مزد خود را تماماً تقدیم دولت کند بشرط اینکه لقمه نانی با و وهیالش بدهد. (صحیح است) اصلاح عمده در امور مملکتی که ضرورت فوری دارد عبارت از دو چیز است اول اصلاح بودجه (صحیح است) و حذف کل مخارجی که با تصویبها بر قرار شده و نسخ مالیاتها و هوارضی که با تصویبها (صحیح است) (آشتیانی زاده - بنیر از بانزده در صد مالک) وضع شده است. پیشنهاد این مالیاتها بصورت لایحه قانونی (صحیح است) برای تصویب جدید مثلا عوارض یستی برای شیر و خورشید سرخ با تقدیم لواجه برای قانونی سکردن مخارج غیر قانونی که عمل شده مانند مخارج سازمان خدمات اجتماعی (صحیح است) و غیره توهمین بمجلس و رعایت حقوق مجلس شورای ملی است (صحیح است) و اگر مجلس بخواهد ابهت و هر ضه و حکم و حقوق حقه خود را نگاهدارد نباید هیچوقت اجازه بدهد که بی خبر از لو مقرراتی مالی وضع نموده و بدینا از وی تصویب بخواهند (صحیح است) فتح این باب موجب لطمه باساس مشروطیت و بی نیازی از مجلس ملی میشود (صحیح است) چه غایت اصلی مجمع نمایندگان ملت نظارت در خرج و اخذ مالیات است (صحیح است) و تسلیم شدن در مقابل این بی اعتنائی بمجلس از دست دادن حق مسلم مجلس است (صحیح است - احسن) و واضح است که عبارت مادامی که حقوق مجلس و مجلسیان محفوظ است در قسم نامه ما مربوط بققوق ماهاه ما مجلسیان نیست بلکه حقوق تقنینی و نظارت مالست که نباید بافماض خود ما زیر پا گذاشته شود (صحیح است) ظاهر آن بدون مبالغه توان گفت که مالیه این مملکت از عهد حاج میرزا آقاسی تا حال هیچوقت باین افتخاش نبوده است (صحیح است) وقتیکه یک خرجی را لازم میشمارند تصور میکنند منظور کردن آن در بودجه و تقدیم لایحه و یا بدتر از آن صادر کردن تصویب

نامه پولی را که برای آن لازم بوده ایجاد میکند چنانکه اخیراً در بانک لایحه فرهنگی که بمجلس تقدیم شده بود دیدیم که بنبیح هایدی مقابل آن مخارج اشاره نشده بود. در البته فرنگی کلمه ایست که این معنی را میدهد که بقفیده بعضی ذکر اسم چیزی ایجاد مسمی را میکند چنانچه در بعضی نواحی ایران هم همین عقیده در باب عقب شایع است حالا مالون ما هم گمان میگردند که اگر ما کسر بودجه سببه میلیون تومانی پای لایحه های از لایحه قانونی میزان خرج آنرا درج کردند بول لازم خود بشود پیدا میشود. بدترین زمان برای مالیه ایران پس از عهد حاج میرزا آقاسی اواخر مظفرالدین شاه بود که اضافه مخارج بر عایدات معادل نصف عایدات بود ولی اگر منابع غیر مالیاتی را بحساب نیاوریم تفاضل مخارج بر عایدات در بودجه اخیر پیشنهادی بمجلس بیش از یک برابر کل عایدات قلندادی میشود. بعد از نود سال هنوز میزان عقل اداری مدبران مملکت بیابا عهد میرزا آقا خان نوری نرسیده بود که معروف است بودجه عایدات و مخارج مملکت را در لوله بند کافدی که بر شال کمر خود آویخته بود داشت و هر وقت کسی از او چیزی تقاضا میکرد می گفت تامل کن ولوله بند را باز کرده و نگاه می کرد و می گفت معلی نیست نظر مجلس کامیابنی در باب بودجه کامل نمیشود مگر آنکه اقلام ریز بودجه کلا طبع بین همه و کلا (نه تنها اعضاء کمیسیون بودجه) توزیع شود و من این تقاضا را مصرأ از حکومت جدید کارم (صحیح است) اینرا نیز بمقتضای انصاف و عدالت باید عرض کنم که همه این خرابی و افتخاش مالیه وسوء استفاده از انحصار تجارت تصمیر حکومت اخیر باوزاری آن نبود بلکه بنای کج از مدتی قبل گذارده شده بود و بتدریج با مسامحه کج تر شده است. دوم اصلاحات اقتصادی و جلوگیری شدید از انحصار بازی و استفاده های مالی از انحصارات (صحیح است) و همچنین از بالا بردن نرخ اسعار خارجی (صحیح است) که خیانت عظیم بملت است و موجب ترقی قیمت اجناس میشود (صحیح است) و نیز از اتلاف مسرفانه اسعار خارجی موجوده اگر ترتیب تحمیلات مالیاتی غیر عادلانه و مخارج غیر ضروری دولتی از یکطرف و غارت ملت بواسطه انحصارهای اجناس حوائج ضروری طبقه ضعیف و دادن جواز های ناحق و تبیضی بفار تکران منفعت پرست و معتکر چنانکه جاری بود دوام یابد مثلی که بنده در مجلس اول گفتم حالا بیشتر از آنوقت صادق میشود که گفتم در دامنه کوه دماوند مناره ایست که مسکن و مرکز راهزنان است و همه روزه دستجات قطاع - الطریق و غارتگر از آنجا بشش جهت اطراف و شهرها چلوریز میشوند و ش حاصل قارت خود را در آن مناره آورده تقسیم میکنند. اسم آن مناره طهران است (صحیح است) بدین معنی است که مردم بیگناه و بیست و پای دور و بر مناره سهمی از این قارت و گناه آن ندارند ولی در این سالهای اخیر شرکائی از زوومندان و متنفذین ولایات نیز با آنها بیوسته و بیخاره آمده و همدست شما شده اند (صحیح است) بی و وزارت مالیه و اقتصاد برای تسکین شهوات کل کار تکران مذکور در را باز گذاشته بود و حالا

معکم نگاهداشتن این دو در زور رستم یهلوان را میخواست (صحيح است) که همه منافذ راهم بگیرد و کرده هارا که دستجات مزبور بالقب علمی واقتصادی جدید از آنها اکتاف مملکت را میچاییدند اشغال نماید. من ملاحظه تکرار میکنم آنها که در این دوران بسرعت ملیونر میشوند فقط از گدا تر کردن طبقه فقیر مملکت ثروت حرام حاصل میکنند (صحيح است) جواز بازی تنها یوارادات مملکت مانند قماش و قند و چائی وغیره شامل نبوده که مشکل ساختن و رود اتمه خارجی شاید تا حدی موجب تعقیف گناه شده شود بلکه جانپناه عوارضی هم برای صدور جو و برنج و گندم و حبوبات و خرما و غیره اضافه بر حاجت مملکت بایشش جواز صدور باشخاص طرف التفات نیز رایج شده است (صحيح است) یکی از نکاتیکه بنظر بنده برای حسن جریان کامل و استحکام مشروطیت و حکومت ملی حقیقی لازم است شمول حکم و نظارت کامل حکومت است در تمام شعب امور ممالکی و خاصه در ادارات و مؤسساتیکه وجوه ملی در آن صرف میشود جریان مشروطیت باید بر طبق ممالکی باشد که از آنها ها این اصول حکومت ملی اقتباس شده است والا اگر دهر موردیکه صرفه ما نباشد بگوئیم ای آقایان که قابل قیاس با اروپا نیست این مسخره مشروطیت است ولذا باید هیچ اداره کشوری و لشکری و مؤسسه مالی و ممالاتی وغیره مملکتی و مرفی از نظارت ملت و مجلس خارج نباشد (صحيح است) مثلا اداره بانکی ظاهرآ بر خلاف ماسبق تاحدی از نظارت وزارت مالیه که صاحب کل سهام بانک است خارج شده یعنی نسبت بسابق این نظارت سست شده است اسرافات تجملی و مخارج غیر ضروری در بانک ملی چنانکه متواتراً میشوم از هر اداره دولتی بیشتر است و آنچه میفهمم جریان امور و اقدامات در بانک اجازه و مشورت کامل با حکومت بعمل نیاید. در باب شکستن نرخ اسعار خارجی هیچ اختیار اقدامی نباید بیانک داده شود و مفتش دولت در بانک باید بتکالیف حقیقی نه صوری خود عمل نماید. میزان جمع و خرج سالیانه بانک قبل از ترتیب نهائی و طبع آن باید مورد دقت و نظر موشکافانه نظر بانک واقع گردد. حکومت ملی دست مجلس است و حکومتی که از مجلس ناشی است بدترین مجالس منی صدار بهتر از حکومت استبدادی است (صحيح است) بنابر این این کار مخالف ترتیب مشروطیت است که هر کسی برای خود دگانی باز کرده اداره خود را از نظارت ملت و حکومت ملی خارج کند. (صحيح است) اگر حکم و نفوذ حکومت ملی فقط شامل پنج شش وزارتخانه باشد و پس ممکن است بعد از چندین این هائره معدود تر هم گردد فقط سه چهار وزارتخانه در زیر کامل حکومت بماند. این رویه ما را بر میگردد بحد ناصرالدین شاه که در هر نقطه یک رئیس السادات برای رسیدگی و حکم در کار سادات و یک نقیب الاشراف برای حکومت بگداها و دراوش و یک رئیس التجار برای حکومت به تجار و یک کارگذار برای امور اتباع خارجه و یک چور کچی باشی برای امور نانو ها و یک مجتهدی برای حکومت در امور طلاب مدارس وجود داشت و هر

کدام از اینها چوب و فلک و فراشباشی هم داشتند و در امور هندیکر حق مداخله نداشتند پس همه امور مملکت باید تابع يك مرکز باشد و بس. (صحيح است) نکته مهم دیگر در اصلاحات اساسی مراقبت کامل در رعایت و اجرای دقیق قوانین است و جریان همه امور بدون استثنا و تبعیض بر طبق حکم قانون و برای حصول این منظور بنحو مطلوب باید معاکم بسرعت ممکن کار کنند و دوسهها در محاکم نتوانید و قضات شجاعت لازم نشان بدهند و از طرفگیری و تبعیض و ملاحظه مصون باشد. (صحيح است) از سی سال قبل تا حال آنچه یاد دارم همیشه و مرتباً قوانین جزائی در باره ضمه جاری شده و هر مرتبه که در روزنامه دیدم بخط جنی حکم اعدام یا حبس نوشته شده بسرعت شرح آنرا خواندم و همیشه دیدم راجع به مشهدی محمد نظری یا اللهیار جوشقانی است (صحيح است) ولسی برای تاجر (صحيح است) قاچاق کننده و استفاده کننده گان از جواز های نام مشروع و تجاوزات خارج از حدود قانونی جرایم چیزی ندیده ام. (صحيح است) اگر باصلاح امروز قاچاق کشی فلزی و چاقو کشی قلمی و تهدید و تطیع و مداخله در انتخابات و ظرفرمانی متنفذین در ولایات و ایلات باید قلع و قمع شود شاید راهی جز ایجاد محاکم فوق العاده سریع الحکم با قضات نترس (صحيح است) و درست برای این گونه جنحه و جنایات که مصداق « و یسمعون فی الارض فسادا » هستند نباشد (صحيح است) که حکم دنیاله آیه شریفه در حق مرتکبین بی ملاحظه و بیرحمانه و بسرعت اجرا شود. (صحيح است) واضح است که یکی از اولین گرفتاریهای حکومت مبارزه و جهاد برضد فساد اداری و اختلاس و ارتشاه و مداخل خواهد بود که حالا مرسوم شده بناحق بآنها لفظ زدی استعمال میشود که در واقع ظلم و توهینی بنزد های معمولی خودمان (صحيح است) یعنی بقول معروف آفتابه زدما است. در این زمینه باید حکومت عادل و اصلاح طلب شمشیری برنده بدست گرفته و بی ملاحظه شیبه بآنچه در میان ما راجع بدوره ظهور امام و دولت حقه عقیده شایع است مستخدمین و مباشرین نا صالح و نادرست را کردن بزند (صحيح است) یعنی از ادارات و مؤسسات و بانکها جاروب کند و امیدوارم در آن میان ادارات بلدی و رافرموش نفرمایند (صحيح است) و از فساد آن مؤسسات شهری که گاهی بلای جان شهریان شده اند جلوگیری نمایند. مطالب دیگری که بنده در خاطر دارم و تاحدی مهم میدانم بطور خلاصه و فهرست عرض میکنم : اولاً اصلاح مقیده را که حکومت سابق در نظر داشت و نقشه ای برای انجام آنها ترتیب داده بود از هر نوع که باشد نباید با تغییر حکومت بر طاق نسبان گذاشت (صحيح است) یا دنیاله آن کارها را منعقد کرد (صحيح است) و بطور کلی خوبست مجلس شورای ملی این اساس را اتخاذ ننماید که هر حکومت یا وزیر لاحقی حکم مولود جدید نداشته و خط بطلان روی اعمال و نقشه های دنیاله دار حکومت سابق نکشد (صحيح است) بلکه باید مملکت نقشه ای طولانی برای اصلاحات داشته باشد و آنرا البته با امکان تجدید نظر در جزئیات آن مستمراً دنبال کند مثلاً نقشه خواهیم رفت و مجلس هم که ده يك قدرت مجلس اول

را ندارد خواهد توانست نظارت شدید بکنند چنانکه در همین پنج شش سال اخیر دولت راجع بدین صدمیلیون تومان بیانک ملی مقروض کرده اند (صحيح است) و کسی در فکریس دادن آنها بیانک ملی نیست و زمینه افلاس بانک را فراهم نموده اند مگر آن که باز تدبیری مظفرالدین شاهی پیدا کرده و طلا را تحمیر جدید کنند یا ذخیره اسکناس را تقلیل دهند یا نقره بفروشد و بگویند منفعت آن هاید دولت می شود و یا بگذارند عاید بانک بشود و آن مؤسسه بادهای اینکه فکر نقره فروشی بظاهر آورسیده با آنکه نتیجه افکار بکر هر عامل دولت حقاً بخود او نرسد منافعه نقره را صرف عمارت سازی امریکائی بکنند. بنا بر این در وضع فعلی بهترین طرق برای انجام اصلاحات عمرانی از سد بندی و آبیاری و راه انداختن ماشینهای زراعتی و کشت پنبه و چائی و توسعه صنایع ماشینی برای عمل آوردن ما بحتاج مملکت یعنی فقط و فقط تأسیسات محصول دهنده هانا تخصیص منابع غیر مالیاتی مملکت است باین کارها و برای رعایت انصاف باید گفت که شاه سابق انجام این دو امر را یعنی تصمیم قطعی ابدی بر عدم استقرار از خارجه و کنار گذاشتن عایدات غیر مالیاتی برای صرف قسمتی از آن اقلا در تأسیسات مفیده صنعتی در کفه حسانت ترازی اعمال خود داشت و عملی هم کرد (صحيح است).

برای اقدام جدی در اصلاحات عمرانی لازم است آبیاری و اصلاح زراعت و مهم تر از هر دو اصلاح حال طبقه برزرگ رامنظور نظر قرار داد (صحيح است). در این سالهای اخیر نمیدانم چرا ولایت بتقلید بی ماخذ بعضی ممالک صنعتی خارجه و یا خود نمائی و ریا و رسم شده که اینهمه صحبت از کارگر کارخانجات میشود و هر کسی بیانی دلسوزی خود را بکارگر نشان میدهد اگر مقصود از کارگر عملی بعضی کارخانجات محدود ایران است که مقدم داشتن آنها بر برزرگان مملکت خیلی خارجه از تناسب است (صحيح است) آنچه برای اصلاح حال و رفاه کارگران کارخانه ها سمی بشود مطلوب و بلکه ادای واجب است و من در یک نقطه هم از این اقلام که هنوز نقائص زیادی دارد و حال آن طبقه راجحانکه باید اصلاح نکرده مسامحه را روانمیدانم و کاملاً هرامم و حتی مدعی هستم که دلسوزی من باین طبقه که قسمتی از طبقات فقیر ملت است از بسیاری از آنان که سنا کارگر را بسینه می زنند بیشتر است (صحيح است) لکن نمیدانم چه شده که بد بخت ترین طبقات رنجبر و زحمتکش که هزاران سال است در جلو آفتاب سوزان خار میخورد و بار میرد یعنی برزرگان مورد توجه زیادی نشده اند (صحيح است) و چون نه روزنامه داوند و نه باشگاه و نه هیئت مدیره و نه کمیته و نه حوزه بندی و نیز در موارد لزوم قابل سوق الجیشی به کوچه ها و خیابان ها و محافل نیستند فراموش شده اند (صحيح است) (سزاوار - حسابشان را سالکین میرسند) و فقط بتقلید صرف قرآنه و بلزیک و امثال آنها همیشه صحبت منحصر بکارگر زیر سقف شده است. اصلاح حال برزرگان که ستون فقرات این مملکت زراعتی بوده و شاید صدی هفتاد نفوس ایران است اهم کل امور عمرانی است و بدبختانه

حالا علاوه بر معاملات قرون وسطائی ملاکین شهر نشین با آنها گرفتار معاملات بدتری از جانب دولت شده اند (صحيح است) که آنچه محصول زراعتشان است از پنبه و برنج و خرما وغیره باید بشمن بقس تسلیم اداره مبارکه پنبه و اداره مبارکه برنج نمایند باید تکرار شود که شکی نیست که اصلاحات عمرانی و اقتصادی و ایجاد سد و آبیاری هم فرج اجتناب از مخارج غیر ضروری و اتخاذ اصول اکتفا بعد اقل ضروری در عهده مستخدمین دولت و شرکت ها و مؤسسات اقتصادی است. غالباً بعضیها میگویند شما ابتدا کار در مملکت ایجاد نمائید آنوقت موضوع افراط عده مستخدمین دولت خود بخود حل میشود. این حرف بظاهر صحيح مینماید و شاید در حقیقت هم با تفسیر صحيح درست باشد لکن میخواهم از این آقایان بپرسم که آیا بعد از ایجاد آبیاری کامل و بکار انداختن ماشینهای فلاحی آقایان اعضاء وزارت خارجه قصد می دارند بیل و آلات شخم و شیار برداشته بکار زراعت بیاورند یا آنکه میخواهم باز آنها را در اداره سد سازی و اداره آبیاری مدیر کل رودر مؤسسات صنعتی دفتر دار زیادی بکنیم و باز اصطلاحات کارگری و بایگانی بازرسی رابکار انداخته دست آنها بدهیم. نه خیر اگر این آقایان فزنیکی مآب اعضاء ادارات دولتی باوضع زندگی فعلی آنها که خارجه شدن از شهر طهران جز برای سفر با اروپا برایشان سخت است با لباسهای شیک خود واستعمال برایتین و اودو کولونی نمی توانند يك کار عملی فنی یا زراعتی مشغول شوند و جز خزانه دولت منبع معیشتی ندارند. شاید ممکن باشد اقلا آنها را بامعلمی در ولایات و قصبات وادارند که اگر سواد فارسی دارند باطفال ملت درس بدهند و چقدر خوبست که اگر ملت پرست هستند معلمی در دهات را اختیار نمایند. یاد دارم در جوانی در اوقات اولین انقلاب روسیه در تفلیس بودم و بامیلیون گرجی وارمنی روابط دوستی داشتم و دیدم که او زمینهای جوان که سینار یا ارالمعلمین تمام کرده بودند و حقوقی برای معلمی معادل چهار صد منات در مادر شهرها و دیوست منات در دهات به آنها عرضه میشد غالباً از راه ملت پرستی دهات را با مواج کمتر اختیار میکردند.

ولی علاج حقیقی نان پیدا کردن مستخدمین دولت و جوانان تربیت شده در مشافل قیر دولتی آنست که دولت اگر در مدرسه حقوقی و سیاسی را نمی تواند بپندد اقلا نود و پنج درصد از محصول آنجا را کم کند و در مقابل آنچه بتواند بعد نهایت در طهران و در شهرها و قصبات صدها مدارس صنعتی آهنگری فنی جدید و مکانیک و تکنیک و نجاری و فنون بسیطه الکتریکی و دواسازی و حجر سازی و معدن شناسی و سرعملگی صنایع ماشینی وغیره باز بکنند و مردما به حرف و صنایع فنی تشویق نمایند و ضمناً عده سیاسیون عالی مقام هم تا باضفاف مضافت عدد لازم منتظر بمانند گرفتن زمام امور مملکت هستند تقلیل باید و نیز باید حتماً قوانینی که دولت را مجبور بکار دادن بعضی طبقات میکند من ریح گردد مانند قانون دترالمعلمین که بفارغ التحصیلان آن باید دولت قانوناً کار بدهد و میشوم گاز این مرفهتصده هشتصد نفر فلما منتظر کار هستند اگر عده مستخدمین ادارات را بعد اقل

حاجت حقیقی تقلیل کنیم میتوانیم حقوق کافی تری برای مستخدمینی که روزی ۸ ساعت با کمال فیرت و بدون غیبت و غفلت کار میکنند و سروق و در تمام اوقات اداری در اداره حاضر شده وقت رفتن بخانه کاری انجام نشده نگذارند بدهم. تقلیل واردات خارجی و بلکه اقدامات ریشه کن در آن باب با انحصار دادن سهمیه های واردات بشهروری ترین اجناس برای فقراء آنها هم بیزان خیلی کم و اجازه ندادن باجناس طبقه عالی مگر گاهی بمقدار خیلی جزئی نیز از مهم ترین اصلاحات است (صحيح است) و مخصوصاً ایجاد قوانین و مقرراتی که رقابت مصنوعات و واردات خارجه طرف احتیاج هاه را که عمل آوردن نظیر آنها در داخله غیر ممکن نیست با مال بومی و رقابت تجار خارجه را با تجار داخلی بنهایت درجه مشکل نماید هم از امور خیلی مهم است که امیدوارم دولت سرفرست اقدام نماید.

از امور مهمه که پس از اقدامات فوری اولی باید اقدام شود بنای خانه ها و مساکن خیلی ساده دو و سه اطابق یا کیزه و تمیز برای فقراء است در ولایات و طهران و مخصوصاً میخواهم عرض کنم که من با فرمایشات آقای رحیبیان در همه امور داخلی مملکتی تماماً و مخصوصاً در توجه بیشتر بولایات قلیاً موافقم و نمیدانم چرا باید اسم ایشان دوستون مخالفین و اسم بنده در ستون موافقین ثبت شود اگر میخواهم واقعا این آرزو ها و نیات خیر و مقدس آقایان محترم و بنده ضعیف عملی شود چهاره جز فرصت و قدرت دافن بحکومت و پشتیبانی اجامی مجلس از دولت نیست (صحيح است) و باید از نقائص درجه دوم و سوم تا حدی افاض شود والا حکومت ملی نه خوب و نه بد با این تزلزل مجلس و بی اتفاقی سر نمیگردد (صحيح است) و يك قدرت استبدادی مانند خاتمه دادن سلطان محمد قاجار به میباحثات علمای مسیحی قسطنطنیه در باب دو طپیمت و دومشیت مسیح بیباحثات و اختلافات و کینه ها و رونیخواهی های ما خانه میدهد هر حکومتی فقط وقتی منشا اثری تواند شد که باو فرصت و قدرت دادند و میخواهم عرض کنم که اولین اثر محسوس اقدامات جدی هر حکومت از ماه هفتم عشر ظاهر میتواند بشود و گرنه بعد از یکی دو ماه گفتن اینکه از این وزراء هم که اصلاحی ندیدیم و باز باید تجربه دیگری بکنیم مملکت را بی سامان میکند اگر چه بنده در سیاست خارجه قصد نداشتم کلمه عرض کنم ولی از ذکر دو نکته نمیتوانم خودداری نمایم یکی آنکه اتفاق کله ما و پشتیبانی مستند از يك حکومت با قدرتی اولین شرط و بهترین طریق حفظ سیاست خارجه ملی و با عرضه و محکم است (صحيح است) و با حکومت ضعیفی خارجه نیز آن معامله کنند که بعضی جرایم غیر مشمول و هتاک با حکومت خود میکنند (صحيح است) دوم آنکه بنای موافقت و مخالفت يك ایرانی با حکومت خود بر روی اساس رضایت و عدم رضایت دول خارجه و پسندیدن مستر یا گاسبادین فلان کاری بس نایسندیده است (صحيح است) و این رویه حتی در تلفظ باید موقوف و کفر شده شود. (صحيح است) حکومت باید مورد پسند ملت خود باشد نه مراکز خارجه (صحيح است) و فقط چیزی که ملاز دولت می توانیم بخواهیم

(اگر چه ایداً حاجتی به مراجعت آن از هیچ حکومت ایرانی نیست) اینست که خدای نخواستہ روزی دولتی ایرانی اختلال عقل پیدا نکرده و تجاوز ناحق به حقوق حقہ یک ملت و دولت و خارجی نکند یعنی باید حکومت در معامله خود با خارجیان میزان انصاف و خوش قولی و با حساسی و اعتدال را نگاه بدارد و حتی از بعضی بی التفاتی های لفظی بعضی دول که علاقه های دیگر دوستی با ما داوند در صورت امکان اغماض نماید و همیشه بی طرفی را تا آخرین درجه امکان با حوصله زیاد حتی در مقابل بعضی رویه های بظاہر کدورت آور حفظ کند و این یک تقاضائی است که در این مدت دوره مشروطیت هر حکومتی ایرانی آنرا رعایت نموده است (صحیح است) و آن ایرانی که گناه رنجش بر جهت ناروای یک دولت خارجی قوی را از دولت ضعیف ما برای این که ما غلام حلقه بگوش و مطیع صرف نشده ایم بگردن دولت خود میگنارد و دولت خود را مقصر میداند که چرا از قسمت سفلی نهری قسمت علیا را گل آلود کرده از جاده انصاف نیست بملت خود بسیار دور افتاده است . (صحیح است)

در خاتمه باید یاد آوری کنم که در رسیدگی به بودجهٔ مملکتی در مجلس باید تسریع شود و اگر واقعاً کمسیون بودجه مرتباً و دائماً اجتماع نمیکند خوبست تغییر رویه بدهند (صحیح است) میترسم عنقریب باز یک دوازدهم دیگری بقید دو فوریت و به بهانه اینکه در امر تصویب بودجه تأخیر شده و با تهدید بطرف کردن مستخدمین ادارات با مجلس بمجلس بیاید . (امیر تیمور - آقایان حتمی است ، همایش یکدوازدهم میآورند)

تقاضای های خود را از حکومت باین چند کلمه خلاصه میکنم : نسخ کامل انحصار های داخلی تجارت موقوف داشتن منفعت دولت از انحصار تجارت خارجی و مانع شدن از منفعت غیر عادلانه وارد کنندگان و منحصر کردن وارد نمودن اجناس تا حد ممکن بتجار قدیم (صحیح است) محدود کردن مداخله دولت در واردات و صادرات بنظارت حد اقل و بی مزاحمت و بدون تعجیل - عودت دادن ترتیب

تصدیق صدور رجاوز ورود و سهمیه بندی و تمهید اسعاری به ترتیب قبل از جنگ . (صحیح است) ترتیب سهمیه واردات بسیار دقیق و بسیار محدودی که مانع ورود همه گونه واردات غیر حیاتی و تجلی و حتی کمتر از تجلی گردد (صحیح است) مگر بمیزان خیلی کم . موقوف نمودن ککل تشکیلات و مؤسسات تقلیدی غیر لازم فرنگستان معض تشبه صرف و دم زدن از تمدن جعلی مانند اداره تبلیغات و غیره دادن اختیارات وسیعتری بولایات در امور محلی باتشکر از لطف و حوصله آقایان ختم کلام میکنم . ولی یک جمله را بایست اجازه بفرمائید بنده بگویم چون بنده درست نشنیدم ولی اگر آقای فولادوند اینطور که من فهمیدم فرمودند که در لندن ماسه تا اتومبیل داشتیم ، اگر درست شنیده باشم فرمودند که سه تا اتومبیل بوده است که فقط سفیر و فامیل سفیر از آنها استفاده میکردند ولی اعضای دیگر نمیکردند این را برای اطلاع ایشان باید عرض کنم اولاً در هر سفارتی سفیر از اتومبیل استفاده میکند هیچ سفارت ایرانی نداشتیم و نداریم که اعضاء سفارتخانه از ماشین استفاده کنند و اینهم که سفیر استفاده میکند برای آبروی سفارت است نه برای اینکه سفیر اینجا و آنجا برود اما اینکه شنیده‌اید که سه تا بوده است ما یک اتومبیل داشتیم و ده سال دوازده سال بود و او را هر روز گفتند تجدید کن من تجدید نکردم و اگر الان هم آنجا بودم تجدید نمیکردم تا بپریم (احسنت) ولی در زمان جنگ آن اتومبیل بزرگ بود ، اتومبیل بیوک بود و در زمان جنگ دولت انگلیس بنزین نداد و بنزین سفارت خانه ها کافی نبود سفارتخانه ها مجبور شدند اتومبیل کوچکتر بگیرند و ما هم اتومبیل کوچک نداشتیم ناچار شدیم یک اتومبیل متوسط گرفتیم که خیلی بنزین کمتر ببرد و علاوه بر آن همیشه یک اتومبیل خیلی کوچکی بود که برای کار تذکره دادن به سفارت خانه ها ، ویزا گرفتن و غیره میرفت که آن همیشه بوده است و خیلی چیز کهنه اوزان نالایقی است ولی اگر یکی از اعضای سفارت را یک وقتی برای کار بوزارت خارجه میبرستادیم سوار اتومبیل سفیر میشد (احسنت) (فولادوند - اتومبیل بزرگ را فروختند قربان ؟ اتومبیل بزرگ فروخته شد و کوچکتر خریده

بخشنامه

شماره ۵۷۸۶ ر.ح ۲۱۲۶۷ ۱۷-۹-۲۶
بخشنامه بتمام دادگاهها و دادسرا های کشور

بطوریکه از وزارت کشور اطلاع میدهند در مواردیکه متهمین وسیله زندانمری تعقیب و بدادسرا ها و دادگاهها اهزام میشوند هنگامی زندانمری نتیجه اقدامات مقامات قضائی را برای تکمیل پرونده های اداری و شناسائی متهمین از لحاظ محکومیت یا برائت و یا آزادی موقت استعلام مینمایند ولی مقامات مزبوره پاسخی نمیدهند . نظر بآنکه در اینموارد منع قانونی برای صدور پاسخ وجود نداشته بلکه مقتضی است که باهنگها و مقامات زندانمری شرکت مسامی بعمل آید لذا مقرر میگردد که هر وقت چنین استعلامی از یادگانها و هنگهای زندانمری بعمل آمد از راه اداری پاسخ شایسته بدهید .

۴-۵۷۵۱ بجای وزیر دادگستری
شماره ۶۰۲۶ ر.ح ۴۰۸۳۴ ۲-۹-۲۶

بخشنامه بتمام دادگاهها و دادسراها

بطوریکه از وزارت جنگ اطلاع میدهند نسبت بافسران و درجه داران و نظامیان در اوراق ابلاغ و احضاریه غالباً وقتی تعیین میشود که با مسافت محل اقامت احضار شدگان مناسب نیست و بهمین نظر احضار شدگان نمیتوانند در مواقع معینه قانونی حاضر گردند و ناچار احتیاج بتجدید احضاریه و تکرار مکاتبه میگردد . برای رفع این قبیل اشکالات لازم است بمذبران دفاتر دستور دهید همیشه در تعیین اوقات حق المسافه قانونی رعایت گردد .

۴-۵۷۵۲ بجای وزیر دادگستری

شد ؟) آنرا ما قانوناً حق نداشتیم بفروشیم .
رئیس - جلسه ختم میشود و بروز ۳ شبه موکول میشود دستور هم برنامه دولت .
(مجلس ساعت ۹ و بیست و پنج دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت